



اساس سوسیالیسم انسان است،  
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
منصور حکمت

۱۹

برای

# یک دنیا بیتر

نشریه فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity faction of WPI

۱۳۸۶ چهارشنبه ها منتشر میشود ۱۷ مه ۲۰۰۷ - ۲۷ اردیبهشت

سردبیر: سیاوش دانشور

یادداشت سردبیر

سیاوش دانشور

مذاکره در عراق

اپوزیسیون، طبقه کارگر

یک دور دیگر از اعلام خطر جنگ و تبلیغات جنگی و سرکار گذاشتن مردم رفوکش کرد. ظاهرا دیگر جنگی یا حمله ای در نمیگیرد! تحلیلگران مشاهده گر کارشنان سخت شده و تحلیلها روی دستشان مانده است. علیرغم اعلام ناممی‌ها در مورد مذاکرات اخیر سولانا و لاریجانی در آستانه پایان یافتن مهلت قطعنامه دوم شورای امنیت، خبر مذاکرات مستقیم جمهوری اسلامی و دولت امریکا در بغداد از سوی مقامات بالای این دولتها رسمًا تائید شد. این توافقی بود که در کنفرانس شرم الشیخ صورت گرفت و قهر کردن نماینده رژیم بدیل خانم ویلن زن نتوانست این را بپوشاند. دو طرف میگویند این مذاکرات برسر امنیت بغداد است و قرار نیست بر سر مسائل دیگر از جمله پرونده هسته ای سخن گفته شود. حقیقت اینست که دولت امریکا زیر فشارها و تناقضاتش ناچار است دست بدامن جمهوری اسلامی برای کنترل تروریسم اسلامی در عراق شود. تداوم سیاست محور شر و ادامه الگوی عراق برای امریکا در اوضاع امروزش عملی نیست. همینطور روشن است که دعوای دولتهای جمهوری اسلامی و امریکا برسر تاسیسات هسته ای و رعایت و عدم رعایت قوانین بین الملل نیست. از نظر امریکا جمهوری اسلامی همکار یا شریک امریکا در منطقه مانع برای داشتن انرژی هسته ای و حتی سلاح هسته ای ندارد. همانطور که مشکلی با پاکستان و هند و اسرائیل ندارد. پرونده هسته ای، علیرغم اهمیت در خود آن و نقشی که در توازن سیاسی منطقه ای ایقا میکند، دریچه جدالی وسیع

صفحه ۲۷

## در باره مباحث پلنوم ۱۴



قسمت سوم؛ علی جوادی، سیاوش دانشور، آذر ماجدی

صفحه ۹

## برای آزادی فعالین کارگری متحدانه تلاش کنیم!



صدیق کریمی، شیخ امامی، محمود صالحی

قطعنامه فستیوال "شادی را دردست کودکانمان بگذاریم"

صفحه ۷

ورود به جدل ناخواسته!  
پاسخ به اتهامات

دو رفیق از حزب حکمتیست!

آذر ماجدی صفحه ۱۸

پیام کارگران آزاد شده

به مردم و جنبش  
همبستگی کارگری

صفحات دیگر؛ صندوق همبستگی، اجتماع دانشجویان مریوان، نامه ها، ... و ستون آخر

صفحه ۲۷

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

# پیام کارگران آزاد شده به جنبش همبستگی کارگری

**پیام خالد سواری و بهزاد سهرابی، اطلاعیه شورای همکاری تشكّلها و فعالین کارگری، صندوق همبستگی**

کمیته پیگیری ایجاد تشكّل‌های آزاد کارگری  
کمیته هماهنگی برای ایجاد تشكّل کارگری  
انجمن فرهنگی، حمایتی کارگران  
اتحاد کمیته‌های کارگری  
جمعی از فعالین کارگری  
جمعی از دانشجویان آزادیخواه و  
برابری طلب دانشگاه‌های ایران  
[shorayehamkari@gmail.com](mailto:shorayehamkari@gmail.com)

**به صندوق همبستگی با  
دستگیرشدگان اول مه سنندج  
و محمود صالحی و خانواده  
هایشان کمک نمی‌کنم!**

همچنانکه مطلعید در جریان برگزاری مراسم اول ماه مه (روز جهانی کارگر) در سنندج، نیروهای دولتی به تجمع و مراسم کارگران پورش برده، تعدادی را زخمی و تعداد بیشتری را دستگیر نموده که تا زمان اعلام این فراخوان هنوز 12 نفر از فعالین کارگری در بازداشت بسر میرند.

دولت سرمایداران در ایران تلاش میکند با بگیر و ببند، فضای رعب و وحشت را در جامعه برقرار کند و قبل از همه فعالین کارگری را از ادامه و پیگیری تلاش‌هایشان جهت ایجاد تشكّل‌های کارگری باز دارد.

وضعیت معیشتی طبقه کارگر ایران نیازی به توضیح ندارد. به همه فلاکتی که در جریان است بار فشارزوحی و مالی به کارگرانی که به اتهام برگزاری اول مه زندانی شده اند را بیفزایید. این پورشی با سبیعت تمام به نه فقط فعالین اول مه که به تشكّل‌شان، به خانواده و کودکانشان و به هر اعتراضی است که برای حقوق انسانی در آن صفحه ۳

منظور گرامیداشت روز کارگر برگزار گردید. در حالی که تجمع کنندگان به آرامی مشغول برگزاری مراسم اول ماه مه بودند، مورد یورش نیروی انتظامی واقع شده و حدود 20 نفر از شرکت کنندگان در مراسم دستگیر شدند.

در روزهای گذشته بر اثر تجمع اعتراضی خانواده‌های دستگیر شدگان و فعالین کارگری، اکثریت دستگیر شدگان آزاد شده اما هنوز 2 نفر از دستگیر شدگان در بازداشت به سر می‌برند.

ما بدین وسیله از کارگران- معلمان- نویسنده‌گان مبارز و دانشگاهیان می‌خواهیم نسبت به دستگیری و خشونت‌های اعمال شده توسط پلیس به برگزار کنندگان مراسم اول ماه مه در سنندج اعتراض کنند. این حق کارگران هر کشوری است که مراسم اول ماه مه را به صورت مستقل و آزادانه برگزار کنند.

ضمناً از تشكّل‌های کارگری مستقل در سطح بین‌المللی می‌خواهیم، نسبت به دستگیری های اخیر در ایران به شدت واکنش نشان دهند و با عکس العمل نسبت به هم سرنوشتان خود در ایران، همبستگی طبقاتی خود را به نمایش بگذارند.

**شورای همکاری تشكّل‌ها و  
فعالین کارگری**  
20/2/1386

بکاییک شما را می‌فارسیم و از همگی رفقا و هم سرنوشتان می‌خواهیم برای آزادی دیگر رفایمان تلاش کنیم.

**پیام کارگران آزاد شده اول مه**

**کارگران، مردم آگاه!**

ما کارگران مستقل شرکت کننده در مراسم اول ماه مه ۲۰۰۷ سندج که به جرم شرکت در این مراسم دستگیر و روانه زندان شدیم، بدین وسیله از کلیه کارگران و آحاد مردم آگاه و کلیه کسانی که در این مدت در جهت آزادی ما، در تجمعات و ابراز پشتیبانی و همبستگی طبقاتی رحمت کشیده و در این راستا از ما حمایت و خواستار آزادی ما شده اند، همراه با خانوادهای خود، کمال تشرک و قدردانی نموده و خواستار آزادی شیث امانی و صدیق کریمی بوده و همچنان خواستار تداوم این اتحاد هستیم.

**کارگران زندانی آزاد شده:**

- اقبال لطفی -۲- صدیق سبحانی -۳- صدیق امجدی -۴-
- محی الدین رجبی -۵- حبیب الله کله کانی -۶- فارس گویلیان -۷- عباس اندریا ری.

امروز 20 اردیبهشت 86 عزیزان کارگری که در مراسم روز جهانی کارگر در سنندج دستگیر شده بودند با قرار وثیقه 5 میلیون تومانی از زندان آزاد شده که اسمی آزادشدگان عبارتند از: طیب چنانی، صدیق امجدی حبیب الله کله کانی، اقبال لطفی، فارس گویلیان، خالد سواری، یدالله مرادی و طیب ملایی.

ضمن شادباش به خانواده‌ای این عزیزان و کارگران و زحمتکشان، باید خواستار آزادی فوری دیگر بازداشت شدگان باشیم.

**بهزاد سهرابی**  
20/2/1386

**اطلاعیه شماره 2**

به سرکوب و دستگیری برگزار کنندگان مراسم اول ماه مه در سنندج اعتراض کنیم!!!

**کارگران و مردم آزادیخواه:**

روز سه شنبه 11 اردیبهشت ماه سال جاری، تجمعی در مقابل اداره‌ی روابط کار سنندج به

**رفقا و هم سرنوشتان**  
سلام!

همانگونه که در جریان هستیم، بندۀ خالد سواری نائب رئیس اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار، به خاطر برگزاری مراسم اول ماه مه امسال در زندان بودم. در طول این چند روز اعضای اتحادیه و هیئت مدیره آن مرتب با خانواده اینجانب در تماس تلفنی و حضوری بوده اند و با کمک مالی، هم دردی خود را اعلام کردند. بندۀ و خانواده ام از تک تک شما عزیزان نهایت تشکر و قدردانی را دارم و دست

## همبستگی کارگری ....

قانون اساسی دولت شما و قوانین بین المللی است.

چنین رفتاری با آقای صالحی و دیگر رهبران کارگری، نشان بی احترامی دولت شما به حقوق اولیه انسانی است و بی اعتباری بین المللی شما مظہر یک جامعه غیر دمکراتیک است که در آن با فعالیں کارگری صلح طلب و منتقدین دولت این چنین بدرفتاری می شود.

اتحادیه کشتیرانی استرالیا قویا این چنین بدرفتاری در قبل آقای صالحی و هر انسان دیگر را محکوم می کند و از شما می خواهد تا دخالتگری کرده و به ما اطمینان دهید که آقای صالحی در اسرع وقت آزاد می شود.

ارادتمند شما

### وارن اسمیت

دستیار مسئول شعبه سیدنی اتحادیه کشتیرانی استرالیا

### آقای گای رایدر

دبیر کل کنفراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری

۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶

با درودهای فراوان  
جناب دبیر کل، همانگونه که در نامه ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶ به کنفراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری اعلام کردیم نیروهای امنیتی در شهر سنتنگ در اول ماه مه، به مراسمی که کارگران کارخانه های مختلف این شهر برگزار کرده بودند پورش برده و ضمن ضرب و شتم شدید کارگران با استفاده از باتوم و گاز فلفل، ۱۳ نفر از آنان را بازداشت کردند. از آن زمان اتحادیه ما ضمن ارسال نامه به کنفراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری جهت اعتراض به ضرب و شتم و بازداشت کارگران، فراخوان تجمعی را در اعتراض به این وضعیت در مقابل دادگاه عمومی میدان بسیج صفحه ۴

کمپین و تلاش برای آزادی فوری و بدون قید و شرط محمود صالحی، فعالین اول ماه مه سنتنگ، معلمان و دانشجویان زندانی و کلیه زندانیان سیاسی فرامیخواهد.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۹ مه ۲۰۰۷، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۶

ضمیمه: نامه اعتراضی دستیار مسئول شعبه سیدنی اتحادیه کشتیرانی استرالیا به احمدی نژاد به دستگیری محمود صالحی

اول مه ۲۰۰۷

آقای احمدی نژاد

رئیس جمهوری اسلامی ایران

موضوع: بازداشت محمود صالحی فعال کارگری

آقای احمدی نژاد عزیز

اتحادیه کشتیرانی استرالیا دستگیری و بازداشت محمود صالحی مسئول سندیکای خبازان شهر سقز را بوسیله دولت شما محکوم می کند. وی فعال شناخته شده کارگری در ایران است.

به نظر اتحادیه کشتیرانی استرالیا تصمیم دولت شما در تعقیب محمود صالحی برای فعالیتهای او و مخصوصاً برای سازماندهی جشن اول ماه ۲۰۰۴ نادیده گرفتن عدالت است. تعقیب و دستگیری مجدد محمود صالحی در شهر آوریل بوسیله دولت شما واقعاً یک روپیاهی است. اتحادیه کشتیرانی حقوق بین المللی و به رسمیت شناخته شده کارگران را به جمهوری اسلامی یادآوری کرده و این بدرفتاری در قبل محمود صالحی و هر انسان دیگری را قویاً محکوم کرده است.

آقای صالحی مشغول انجام فعالیتها و وظایف حق کارگری بوده است. حق آزادی تشکل و ایجاد اتحادیه مستقل کارگری حقوق اولیه انسانی است. قصور و کوتاهی شما و دولت شما در اجرای حق کارگران برای آزادی سیاسی زیر پا گذاشتن

جامعه روی دهد است. ما میتوانیم بخشی از فشار بر این عزیزان و خانواده هایشان را با کمک به صندوق همبستگی با زندانی و خانواده هایشان تخفیف دهیم.

۰۰۴۷۹۳۰۰۱۸۷۸

اسد حیدری در استرالیا

۰۰۶۱۰۴۳۱۲۴۶۱۴۵

تماس بگیرید.

sandoogmali@yahoo.com

اطلاعیه شماره ۱۳، درمورد

دستگیری محمود صالحی

اتحادیه کشتیرانی استرالیا،

جمهوری اسلامی

را به خاطر زندانی کردن محمود

صالحی محکوم کرد

وارن اسمیت، دستیار مسئول شعبه

سیدنی اتحادیه کشتیرانی استرالیا،

طی نامه ای اعتراضی به محمود

صالحی را محکوم کرده و خواستار

آزادی فوری وی شد. وارن اسمیت

به حق تشکل آزاد و مستقل حق

کارگران است و تعقیب و

دستگیری مجدد محمود صالحی در

نهم آوریل بوسیله دولت شما واقعاً

یک روپیاهی است. اتحادیه

کشتیرانی حقوق بین المللی و به

رسمیت شناخته شده کارگران را به

جمهوری اسلامی یادآوری کرده و

این بدرفتاری در قبل محمود

صالحی و هر انسان دیگری را

قویاً محکوم کرده است.

جلو یورش به فعالین کارگری باید ایستاد و عوارض انرا به حداقل رساند. در اولین اقدام نباید اجازه دهیم مشکلات و تنگی های مالی بر نگرانی فعالین کارگری و خانواده هایشان بیفزاید.

هر کمک شما هر چند اندک میتواند این عزیزان را در مبارزه برای حقوق بیهیشان و دفاع از تشكیلشان یاری دهد. ما بخشی از خانواده کارگری و وسیع به وسعت جهانیم. هر تعریضی به طبقه کارگر باید با عکس العمل بخشاهای دیگر طبقه و هر انسان شرافتمدی روپرو شود که در تلاش و آرزوی جامعه ای شاد و مرفه و انسانی است.

ما جمعی از فعالین و علاقمندان مسایل جنبش کارگری، از تمامی مدافعين حقوق انسانی دعوت میکنیم که بهر شکل ممکن و با ابتکارات متنوع این صندوق را حفایت کنند. ما راسا در کشورهای محل اقامتمان به جمع اوری کمک مالی میربدازیم و دست همه عزیزانی که این را امر خود میدانند بگرمی میفساریم.

شماره حساب صلاح فلاحی فعال اتحادیه ترانسپورت نروژ به این منظور اعلام میشود.

Bank: Postbanken  
BIC: DNBANOKXXX  
A/C for international payments: NO61 0540 1437 152  
SALEH FE-LAHI KONTONUMMER 05401437152

جمعی از فعالین و علاقمندان مسایل جنبش کارگری

## همبستگی کارگری ....

نشود، صدیق و شیث امانی همچنان در بازداشت خواهند ماند تا ما تکلیف آنها را روشن کنیم. ضمن اینکه در حال حاضر دنبال وکیل نیز نگردید هر وقت پرونده آنها که ممکن است حتی یکسال طول بکشد تکمیل شد وکیل میتواند در پرونده دخالت بکند. با پیش آمدن این وضعیت چیمن سلیمی نیز به معافون دادستان اعلام کرد شما حق ندارید کسی را بمدت چندین ماه در بازداشت موقت نگه دارید و اگر همسر من جرمی مرتكب شده (که نشده) باید وی را تا زمان تکمیل پرونده و محکمه آزاد کنید.

در کشوری که معافون دادستان از گرفتن نامه همسر یک زندانی پرهیز کرده و با برخورد تندی خواهان خروج وی از دفترش میشود و اعلام میدارد که شما حق ندارید به دفتر من برای پیگیری وضعیت همسر خود بپایید، آیا راهی جز اعتراض و تجمع برای کسی که خواهان رسیدگی به ابتدائی ترین حقوق خود است، باقی می ماند؟

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار همچنانکه در قطعنامه مورخه 19/2/1386 به همراه خانواده های کارگران بازداشتی اعلام کرده است خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط شیث امانی و صدیق کریمی است و چنانچه آنان به زودی آزاد نشوند دست به تجمع اعتراضی گستردۀ تری خواهد زد.

اتحادیه سراسری کارگران  
اخراجی و بیکار

23/2/1386

[www.ettehade.com](http://www.ettehade.com)

k.ekhraji@gmail.com

جنبش همبستگی بین  
الملى با کارگران ایران را  
تقویت کنیم! همبستگی  
کارگری مرز نمیشناشد!

کارگری از شهرهای مختلف همراه نجیبه صالح زاده برای ملاقات محمود صالحی به زندان مرکزی شهر سنتنچ مراجعه کردند.

محمود صالحی از چهره های سرشناس جنبش کارگری ایران در گفتگو با دوستان و همکاران خود از کلیه دوستان، نهادها و فعالین کارگری و انسانهای آزادیخواه که هر کدام به نحوی در کمپین مبارزه برای آزادی وی و دیگر دستگیر شدگان اول ماه مه شرکت دارند قدردانی کرده و ابراز امیدواری نموده که تا آزادی و لغو بی قید و شرط احکام آنها به فعالیت خود ادامه دهند.

### انجمن کارگری جمال چراغ ویسی

به چیمن سلیمی همسر  
صدیق کریمی اعلام کردند  
شیث امانی و صدیق کریمی  
بمدت 2 ماه تحت بازداشت

#### موقعت خواهند بود

امروز چیمن سلیمی همسر صدیق کریمی برای پیگیری وضعیت وی به شعبه دوم بازپرسی دادگاه عمومی میدان بسیج سنتنچ مراجعه کرد. قاضی این شعبه به خانم سلیمی اعلام کرد که در پرونده صدیق کریمی دو ماه بازداشت موقعت قید شده تا ما تحقیقات خود را از ارگانهای مختلف در باره وی تمام بکنیم، در عین حال که پرونده صدیق در حال حاضر دست من نیست. بدنبال این پاسخ همسر صدیق کریمی به دادستانی شهر سنتنچ مراجعه کرد تا نامه‌ی خود را مبنی بر لغو بازداشت موقعت صدیق کریمی به دادستانی بدهد. در غیاب دادستان، معافون وی با برخورد تندی به چیمن سلیمی اعلام داشت از دفتر من برو بیرون و دیگر اینظرفها پیدایت

آزادی شیث امانی، صدیق کریمی و همچنین محمود صالحی تشید خواهیم کرد.

خواست ما آزادی فوری و بی قید و شرط شیث امانی، صدیق کریمی و محمود صالحی از زندان- رفع اتهام از کارگران آزاد شده - عودت اسناد اتحادیه از سوی نیروهای امنیتی- پایان بخشیدن به بازداشت و آزار و اذیت رهبران کارگری و آزادی بر پایی تشکلهای کارگری است. ما از شما انتظار داریم ضمن حمایت قاطعانه از خواسته های ما، مراتب اعتراض شدید خود را در این مورد به دولت ایران اعلام دارید و مانند همیشه به دفاع از کارگران ایران بر خیزید.

بی تردید اقدامات و همبستگی شما با کارگران در ایران، ضمن تاثیر بر رویکرد دولت ایران و کاهش فشار بر روی کارگران و رهبران کارگری، افق همبستگی جهانی کارگران را به مثابه یک طبقه واحد جهانی تقویت خواهد کرد و انترناسیونالیزم کارگری را در مقابل تعرض روز افزون سرمایه جهانی به حقوق کارگران بیش از پیش به رویکرد تشکلهای کارگری در سرتاسر گیتی تبدیل خواهد نمود.

#### با احترام

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی  
و بیکار ایران

24/2/1386

[www.ettehade.com](http://www.ettehade.com)

k.ekhraji@gmail.com

رونوشت به: گلوبال یونیون

#### جناب دبیرکل

ما در اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار ایران، برگزاری تجمع اعتراضی، برپایی تشکل کارگری و گرامیداشت اعتراض آمیز اول ماه مه را حق مسلم خود میدانیم و اعتراض خود را برای

چندین نفر از دوستان و فعالین کارگری به ملاقات محمود صالحی رفتند

امروز دوشنبه 24 اردیبهشت ماه چندین نفر از دوستان و فعالین



مرکز مطالعات کمونیسم کارگری برگزار میکند :

## بررسی مبانی و ضرورت اتحاد جنبش کمونیسم کارگری!

آذر ماجدی

مکان شبکه پالتاک، گروه خاور میانه - ایران

زمان : شنبه ۱۹ مه

ساعت ۹ شب بوقت اروپای مرکزی، ۱۲ ظهر بوقت لس آنجلس

مرکز مطالعات کمونیسم کارگری برگزار میکند :

چپ رادیکال

## و تقابل آن با اتحاد جنبش کمونیسم کارگری

(نقده بر نقطه نظرات حمید تقوای)

علی جوادی

مکان: شبکه پالتاک، گروه خاور میانه - ایران

زمان : یکشنبه ۲۰ مه

ساعت ۹ شب بوقت اروپای مرکزی، ۱۲ ظهر بوقت لس آنجلس

[worker.communism.studies@gmail.com](mailto:worker.communism.studies@gmail.com)

<http://markazmkk.blogfa.com>

سایت و وبلاگ فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری

[www.for-abetterworld.com](http://www.for-abetterworld.com)

<http://for-abetterworld.blogfa.com>

شماره حساب اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار:

0101585766007

حساب سپهر بانک صادرات سنتدج، شعبه اکباتان بنام آقایان: وفا یونسیان- خالد سواری و حسین قادری.

## برای آزادی معلمان زندانی تلاش کنیم!

خبر از کانون صنفی معلمان  
تهران

سازمان بین المللی معلمان بار

دیگر از معلمان ایران دفاع کرد

سازمان بین المللی معلمان (آموزش  
بین المللی) بار دیگر اطلاعیه ای  
درمورد معلمان ایران صادر کرد  
و بر حق آنها برای ایجاد تشکل و  
سازماندهی اعتراض و میتینگهای  
اعتراضی تأکید کرد.

در این اطلاعیه به تجمع روز ۱۸  
اردیبهشت معلمان برای آزادی  
همکاران زندانی، لغو احکام  
انفصل از خدمت، و حقوق و  
شرایط کاری بهتر اشاره شده و به  
اعتتصاب سراسری هفته گذشته و  
چندین ماه مبارزه معلمان، ایجاد  
صندوق کمک به معلمان زندانی و  
منفصل از خدمت و نیز توقف  
نشریه قلم و دستور وزیر آموزش  
و پرورش برای منعکس نکردن  
اخبار اعتراضات معلمان در رسانه  
های وابسته به حکومت پرداخته  
شده است.

خانم ثریدار ابی، آقایان رضاعبدی  
از کرج، اسماعیل رسول خانی و  
مصطفی قهرمانی گل امروز با  
سپردن وثیقه از زندان اوین آزاد  
شدند. آزادی این عزیزان را به  
خانواده ای آنها و جامعه ای معلمان  
شادباش می گوییم.

اما آقایان: میراکبر رئیس زاده از  
کانون تهران، منصور میرزا بی از  
کانون یزد و مجتبی ابطحی از  
کانون خمینی شهر هنوز چشم براه  
رسیدن وثیقه هستند.

به امید روزی که معلم زندانی  
نداشته باشیم!

الله اکبری نبی

سازمان بین المللی معلمان در چند  
ماه گذشته سه نامه برای مقامات  
جمهوری اسلامی ارسال کرده و  
دستگیری معلمان را محکوم کرده  
است. در این نامه ها بر حقوق  
معلمان برای ایجاد تشکل و  
اعتراض و تجمع تأکید شده است.

سخنان الله اکبری دختر ۱۰ ساله  
ی علیرضا اکبری معلم زندانی در  
تجمع معلمان در جلوی ساختمان  
سازمان آموزش و پرورش تهران  
که با گریه ای حاضران رویه رو  
شد.

حزب کمونیست کارگری همه  
سازمانهای کارگری و نهادهای  
مدافع حقوق انسان را به حمایت از  
معلمان ایران و تلاش برای آزادی  
فوری و بی قید و شرط معلمان  
زندانی و تحقق سایر خواستهای  
معلمان فرامیخواهد.

سلام من دختر علیرضا اکبری  
هستم، پدر من معلم است، که اکنون  
در زندان بسرمی برد، من همیشه  
فکر می کرم زندان جای آدمهای  
بد است، ولی حالا فهمیدم که  
زندان جای معلم است، من  
بیست روز است که پدرم را ندیده  
ام. حتی صدایش راهم نشنیده ام،  
بیست روز است که از از  
او خبر ندارم، نمی دانم چه می کند؟  
به چه فکر می کند؟

زنده باد اعتتصاب و مبارزه معلمان  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳۸۶، ۲۰۰۷ء، ۲۰ اردیبهشت

فقط من می خواهم یک گفتگوی  
کوتاه با اوداشته باشم و از زبان  
خودش بشنوم که او سلامت است،  
 فقط همین! فقط همین!

## بیانیه حقوق مهاجرین

۱۰- حذف هر نوع ارجاع به تابعیت افراد از اوراق هویتی، اسناد دولتی و فعل و افعالات اداری و یا اعلام آن در رسانه‌ها.

ما اعلام میکنیم که تحقق حقوق و آزادیهای فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی تمامی شهروندان ساکن ایران در گرو بزرگ کشیدن و سرنگونی رژیم ارتجاعی و ضد بشری جمهوری اسلامی و همچنین مبارزه ای همه جانبیه علیه ناسیونالیسم، قوم پرستی و نژادپرستی است. جمهوری سوسیالیستی موازین مندرج در این بیانیه را بعنوان حقوق انکار ناپذیر تمامی ساکنین ایران مستقل از تابعیت تضمین خواهد کرد.

### فراسیون اتحاد کمونیسم کارگری

۲۰۰۷ فوریه

ما برای استقرار یک نظام آزاد، برابر، مرغه، سکولار و پیشو، برای یک جمهوری سوسیالیستی، مبارزه میکنیم. برابری کامل و بی قید و شرط کلیه ساکنین ایران، مستقل از تابعیت، محل تولد و یا مدت اقامت در ایران در کلیه حقوق و وظایف قانونی، اعم از فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی، یکی از ارکان پایه ای جمهوری سوسیالیستی است. ما به

ما به صفت مقدم مبارزه علیه تبعیض و نابرابری در جهان امروز تعلق داریم و معتقدیم که برابری حقوقی و شمول یکسان قوانین واحد بر همه، مستقل از جنسیت، ملت، مذهب، نژاد، عقیده، مرام، شغل، مقام و تابعیت باید بعنوان یک اصل تخطی ناپذیر و محوری اعلام شود. جامعه اعلام شود.

وظایف شهروندان کشور بدون هیچ تبعیضی بر کلیه کارگران و خارجیان مقیم کشور، برابری کامل حقوقی همه کارگران، مستقل از تابعیت و محل تولد.

۷- حق هر زوج بالای ۱۶ سال، مستقل از تابعیت، به زندگی مشترک به میل و انتخاب خود. شمول برابر کلیه قوانین مربوطه به خانواده. برابری کامل حقوق و وظایف زن و مرد مستقل از تابعیت در امور مربوط به تکلف و سرپرستی فرزندان پس از جدایی. برابری حقوق طرفین در هنگام جدایی نسبت به دارایی‌ها و امکاناتی که در طول زندگی مشترک عاید خانواده شده و یا در طول زندگی مشترک مورد استفاده کل خانواده بوده است.

رابری کامل حقوق و وظایف زن و مردم در امور مربوط به تکلف و سرپرستی فرزندان پس از جدایی، مستقل از تابعیت. مبارزه میکنند.

۸- تمام ساکنین ایران مستقل از تابعیت در انتخاب محل زندگی، سکونت و شغل خود آزادند. هرگونه جداسازی و ایجاد محدودیت بر اتباع خارجی در انتخاب محل زندگی، سفر، نقل مکان و انتخاب شغل، منع است.

۹- برخورداری کلیه کودکان از یک زندگی شاد، ایمن و حلال، مستقل از تابعیت. تضمین استاندارد واحدی از رفاه و امکانات رشد مادی و معنوی کودکان و نوجوانان، در بالاترین سطح ممکن.

میشود.

۲- ممنوعیت اعمال هر نوع محدودیت بر ورود و خروج اتباع سایر کشورها. اعطای تابعیت کشور به هر فرد متقاضی که تعهدات حقوقی شهروندی را میپذیرد. صدور جواز ورود، اقامت، اجازه کار و کارت های بیمه و غیره برای همه متقاضیان اقامت در ایران.

۳- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تحزب و تشکل کلیه افراد مستقل از تابعیت و یا زمان اقامت در ایران. آزادی بی قید و شرط انتقاد و نقد. ممنوعیت هر گونه تحریک و تهدید علیه مهاجرین و یا افراد دارای تابعیت کشورهای دیگر.

۴- تمامی ساکنین جامعه بالاتر از شانزده سال مستقل از تابعیت از حق رای همگانی و دخالت در کلیه شفون زندگی و حیات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه برخوردارند و میتوانند برای هر نهاد و ارکان و یا احزار هر پستی و مقامی کاندید شوند.

ما برای تحقق و تضمین وسیعترین آزادیها و حقوقهای فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی برای کلیه ساکنین ایران مستقل از تابعیت مبارزه میکنیم. اهم این حقوق و آزادیهای عبارتند از:

- ۱- کلیه ساکنین ایران مستقل از تابعیت و محل تولد، بدون هیچگونه تبعیضی، از حقوق و وظایف شهروندی برابر در تمامی عرصه های فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی برخوردار خواهند بود. هر فرد ساکن ایران عضو برابر و متساوی الحقوق جامعه است. تمامی قوانین جامعه بدون استثناء مستقل از تابعیت و یا زمان اقامت شامل حل تمامی ساکنین در ایران

ما برای استقرار یک نظام آزاد، برابر، مرغه، سکولار و پیشو، برای یک جمهوری سوسیالیستی، مبارزه کامل و بی قید و شرط کلیه ساکنین ایران، اعم از فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی ای کلیه ساکنین ایران پایه ای جمهوری سوسیالیستی است. ما به صفت مقدم مبارزه علیه تبعیض و نابرابری در جهان امروز تعلق داریم و معتقدیم که برابری حقوقی کلیه ساکنین واحد بر همه، مستقل از جنسیت، ملت، مذهب، نژاد، عقیده، مرام، شغل، مقام و تابعیت باید بعنوان یک اصل تخطی ناپذیر و محوری اعلام شود. جامعه اعلام شان و بندی رسمی و تلویحی شان و شخصیت افراد بر حسب محل تولد و یا تابعیت، قاطعانه مبارزه میکنیم.

ما برای تحقق و تضمین وسیعترین آزادیها و حقوقهای فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی برای کلیه ساکنین ایران مستقل از تابعیت مبارزه میکنیم. اهم این حقوق و آزادیهای عبارتند از:

محکوم می کنیم و خواستار محکمه عاملان این جنایت هستیم.

۱۳- منوعیت بهرگشی از کودکان و نوجوانان کول بر شهرهای مرزی و تامین امنیت وزندگی برای آنها و محکمه عاملان خشونت برنوجوانان کول بر.

شرکت کننده گان در فستیوال "شادی را دردست کودکانمان بگذاریم"

شهر مریوان  
۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۶

۹- منوعیت اعدام در جامعه و منوعیت حکم حبس و شلاق برای کودکان زیر ۱۸ سال.

۱۰- به رسمیت شناختن حق برای برای دختر و پسر دربرخورداری از حق ارث و دیگر حقوق مدنی و اجتماعی.

۱۱- از مبارزات حق طلبانه کارگران، معلمان و دانشجویان درسراس کشور حمایت می کنیم.

۱۲- عمل جنایت کارانه سنگسار دعا دختر ۱۷ ساله در کردستان عراق را به شدت

## قطعنامه فستیوال

### "شادی را دردست کودکانمان بگذاریم"

امروز آمده ام، بادبادکم را در آسمان رها کنم، من از کودکان زیر آسمان، خورشید برای من می خنند، بادها به خاطر من می وزند، زمین زیر پای من می خوابد تا من بریام آن برقسم ، شادی کنم ما ضمن فراغوان به رهایت حقوق کودک در کلیه شیوه های رسانیده ای که این کودک را دوست دارند، باران و رنگین کمان را دوست دارم. من کودکانه زندگی را زمزمه می کنم، من در خیال دنیای صلح و صفات انسانی می کنم، دنیای من قشنگ و زیباست برای زندگی پر از صفات. های بزرگترها خرابش نکنند!

فقو فلاکت ، بهره کشی و ستم در آن زندگی کنند، جامعه ای سالم، عادلانه و سرشار از رعایت حقوق کودک و حرمت انسانی .

۱- تامین فوری امنیت، مسکن و رفاه برای همه کودکان بی پناه و خیابانی.

۲- آموزش و پرورش رایگان برای همه ی کودکان.

۳- بهداشت و درمان رایگان برای همه کودکان.

۴- منوعیت بهرگشی از کودکان.

۵- منوعیت انجام کار حرفه ای برای کودکان زیر ۱۸ سال.

۶- تامین امنیت ، اسایش و رفاه ، برخورداری از یک زندگی شاد و انسانی برای همه ی کودکان.

۷- منوعیت هرگونه مقررات و قوانینی که موجب خشونت و سختی بر کودکان است .

۸- تامین امنیت ، بهداشت و آموزش و پرورش برای کودکان پناهندگان، لغو مقررات و قوانین اجباری اخراج کودکان مهاجر از ایران و لغو مقرراتی که باعث محرومیت کودکان پناهندگان افغانی و عراقی از تحصیلات و امنیت وزندگی اجتماعی می شود.

این دنیا را من می خواهم ننگش کنم.  
با قلم رنگی هایم، رنگش کنم.

گوش کن! ببین، من، چی میگم،  
چی می خواهم؟

دنیابی که شما ساختی

حق من، نپرداختی  
کودکانش، گرسنه اند

بی خانه و کاشانه اند  
کودکانش، کار میکنند

زجر می کشن، زار می کنن  
نمی خواهم، نمی خواهم، این دنیا  
رونمی خواهم!

شرم تان باد و بس کنید!

بدی ها را هرس کنید  
آره میشه آره میشه

دنیا از این بهتر بشه!

ما همه کودکان و نوجوانان همراه خانواده ایمان امروز گرد هم آمدیم که با شادی و لبخند تو ذوق همه پلیدیها و زشتی های این دنیابی نا برای بزنیم، گرد پرچم کانون دفاع از حقوق کودکان بهم آمده ایم که بگوییم راه دیگری را می توان بسوی زندگی گشود، می توانیم برای دنیابی انسانی همه با هم تلاش کنیم جامعه ای داشته باشیم که همه کودکان فارغ از هرگونه



[www.koodekan.com](http://www.koodekan.com)

Marivan



قطعنامه و عکسها برگرفته از سایت  
کانون دفاع از حقوق کودکان

قانع کننده مسئولین و کسب ابتدایی ترین حقوق خود به این تجمعات ادامه خواهیم داد.

البته قابل ذکر است که در این تجمع که در سالان طبقه دوم دانشگاه پیام نور و در جلوی دفتر ریاست انجام شد خانم رسائی که اوضاع را شلوغ دیدند به تردید هایی خود را به جمع دانشجویان وارد کردند و زیرکاته خواستند که خود را هم صدا با دانشجویان معرض نشان دهند. اما خوشبختانه چنین تردید هایی دیگر در دانشجویان تاثیر نخواهد داشت. خانم رسائی که مجبور به شنیدن انتقادات دانشجویان شد و هر بار که سوالی از وی پرسیده می شد با جواب های بی معنی و غیر قابل قبول شانه خود را از مسئولیت وارده خالی می کردند.

در پایان امیدوارم دانشجویان مرکز پیام نور مریوان که حتی این حق را نداشته اند که نشریه دانشجویی را انتشار دهند و رئیس این دانشگاه نشريات دانشجویی را غیر قانونی می خواند به حقوق ابتدایی خود دست یابند و به اعتراضات خود ادامه دهند تا لحظه پیروزی آنها در این راه.

مبین دهباشی  
خبرنگار آزاد

16-05-2007

کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، خواست 600000 هزار تومان دستمزد



## ۲- آیا از سوی مسئولین و ریاست دانشگاه تا بحال پاسخی به شما داده شده است؟

ریاست دانشگاه هر بار با بهانه های واهی و وعده و عید های دروغین دانشجویان را به آرامش فراخوانده است. خانم رسائی رئیس این مرکز هر بار بهانه استغفار دادن خودش شانه از مسئولیت خالی کرده است. زمانی با وعده انتخاب شدن رئیس جدید و پوچ بودن این وعده و زمانی به بهانه استانی شدن مرکز پیام نور (که ۲ ماه است) استانی شده است (و به شیوه های دیگر از قبول مسئولیت امتناع می کردند و مشکلات دانشجویان را نادیده گرفته اند و تا بحال هیچ گونه جواب قانع کننده ای به دانشجویان در خصوص رفع مشکلاتشان داده نشده است).

## ۳- در صورتی که مسئولین دانشگاه به خواسته های شما که ابتدایی ترین حقوق یک دانشجو به حساب می آیند توجه نکنند چه اقداماتی انجام خواهید داد؟

در این راه اکثر دانشجویان با ما همراه هم صدا هستند. همه ما با تمام توان به اعتراضات ادامه خواهیم داد و حتی اگر دامنه این تجمعات اعتراضی به دوران امتحانات دانشگاه کشیده شود حاضر به شرکت در امتحانات خواهیم شد و تا گرفتن جواب

## گزارش تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه پیام نور مریوان

**امروز چهارشنبه 16/5/2007**  
دانشجویان مرکز پیام نور مریوان در اعتراض به ساختار نامنظم مدیریتی و فکری دانشگاه براي چندمين بار متولي تجمع اعتراضي كردند. در اين تجمع که در سالان دانشگاه پیام نور مریوان بر گزار شد تعداد كثيري از دانشجویان اين مرکز شركت كرده بودند و با در دسا داشتن پلاکارд هاي و خواندن سرود يار دستاني من اعتراض خود را به آميزي با دانشجویان.  
د) ممانعت از اجرای فعالیت هاي دانشجویی (علمی و فرهنگی)  
2- نداشتند هیئت علمی  
3- عدم وجود کتابخانه اي مجهز و مناسب  
الف) نداشتند سالان مطالعه  
ب) نداشتند کتاب و منابع کافي  
ج) ضعف مدیریت کتابدار و برخورد نا مناسب وي با دانشجویان به صورتی که دانشجو از کتابخانه فراری می باشد.  
4- کمبود فضای مناسب آموزشي و تاریخي  
الف) نداشتند فضای مناسب برای برگزاری کلاسهاي رفع اشکال  
ast.

در همین راستا با يكی از کسانی که مدیریت این تجمعات را بر عهده داشت مصاحبه اي انجام دادم و سوالاتی از ایشان پرسیدم که متن این سوالات و پاسخ ایشان ذکر شده است.

۱- اولین تجمع دانشجویان مرکز از چه تاریخي شروع شده است و مطالباتی که شما را قادر به اعتراض کرده است چه چیزهایی هستند؟

برای اولین حرکت در تاریخ 3/2/86 جمعی از دانشجویان جهت حل مشکلات دانشجویان با فرمادار مریوان دیداری را برگزار نمودند، اما بعد از 10 ذهاب (در حالی که فاصله دانشگاه از شهر بیش از 3 کیلومتر است) به همین دلیل در تاریخ 12/2/86 تجمع اعتراضی دانشجویان در دانشگاه و اختناقی که بر دانشجویان تحمیل شده است

همچین قابل ذکر است که تعداد 9 دستگاه کامپیوتر از این مرکز به سرقت رفته است اما هیچ کدام از مسئولین این ماجرا را پیگیری نکرده اند و حاضر به پیگیری نیستند.  
مشکلات ما دانشجویان مرکز پیام نور مریوان به شرح زیر است:  
۱- ضعف مدیریت:  
الف) عدم حضور ریاست در

- مروج" به حزب "سازمانده - رهبر" حلقه گرهي در قطع بند ناف کمونيسم کارگري از سنت چپ راديكال است. بحث تاكتيكي نیست. بر عکس تعبيير ديگري از "عضویت کارگري" و يا متحفظ کردن جوهر مباحث "حزب و جامعه" است. حزبي که نتوانسته است به حزبي سازمانده تبدیل شود، حزبي اجتماعي نیست. حزبي قادر به دخالت موثر در مصاف برای تصرف قدرت سیاسی در جامعه نیست. بازيگر چنین جدال نیست. نمیتوان با يك دستگاه افشاگری رژیم اسلامی و بورژوازی را به شکست کشاند. چنین انتقالی الزاما مرحله اي در رشد سازمانی و يا حلقه اي در گسترش ابعاد فعالیت سازمانی نیست. بلکه يك خصیصه تعیین کننده در تعریف هویتی فعالیت کمونیستی کارگری است. قبلاً اشاره کردم، بچه شیر از بچگی شیر است. در بچگی گرمه نیست. گرمه هر چقدر هم بزرگ شود، شیر نمیشود.

گرایش چپ راديكال هم در شرایط متحول و رو به اعتلای سیاسي جامعه مسلماً میتواند گستردگی و بزرگ شود. همانگونه که سازمان های این سنت در دوران پس از قیام ۵۷ رشد قابل ملاحظه اي کردن. اما تفاوتی ماهوی و فاحشی میان تعبيير کمونيسم کارگری منصور حکمت از تصور چپ راديكال از اجتماعي شدن وجود دارد. هدف ما سازماندهی پراتيک اجتماعي طبقه معين و تامين هژمونی اين جنبش در تحولات حاضر سیاسي در جامعه است. در حالیکه در سنت چپ راديكال سازمان و يا حزب مربوطه تبلیغ میکند. کارگران "اگاه" میشوند. و در گام بعدی "عضو" حزب میشوند. این تصور ايداليه چپ راديكال از اجتماعي شدن است. این تصویر کوچکترین ربطی به کمونيسم منصور حکمت و مبحث انتقال از حزب مبلغ - مروج به حزب سازمانده - رهبر ندارد.

**سیاوش دانشور:** در پایه ای ترین بیان تفاوت حزب رهبر - سازمانده با حزب صفحه ۱۰

## در باره مباحث پلنوم ۱۴

قسمت سوم؛ على جوادی، سیاوش دانشور، آذر ماجدی

اتحاديه کارگری و يا تلاش برای کوچکترین تغييرات شده است. در طول تاريخ معاصر سده کلونی تنها جنبش کمونيسم کارگری در دوره لنین قادر شد نمونه شفافی از راديكالیسم و اجتماعي بودن و يك حزب سازمانده و رهبر را به نمایش بگذارد.

من عميقاً معتقدم که کمونيسم کارگری تنها با راديكالیسم افراطي خودش میتواند توده اي و رهبر اعتراضات اجتماعي شود. هیچ راه حل ديگري وجود ندارد. اگر کمونيسم کارگری شانسي برای پیروزی داشته باشد، که دارد، تنها بر مبنای سیاست راديكال، عميق و ریشه ای است که میتواند نقش تأثير گذار و تعیین کننده اي داشته باشد. به این اعتبار بحث انتقال به "حزب سازمانده - رهبر" در سنت و جنبش اجتماعي معینی مد نظر ماست. من فعل جنبش اجتماعي کردن و يا انتقال سازمانی چپ راديكال به حزب "سازمانده - رهبر" نیستم. چنین ویژگی را برای جنبش و حزب کمونیستی کارگری خودم میخواهم. بعلاوه تفاوت ماهوی میان نگرش چپ راديكال و کمونيسم منصور حکمت در این زمينه وجود دارد. تصور چپ راديكال از تبدیل به حزب "رهبر و سازمانده" شدن تصوري مکانيکي و خطی است. چرا که دستیابي به این مولفه را حاصل "بزرگتر" شدن ابعاد کمي سازمان و نه متکي شدن حزب بر شانه هاي رهبران عملی و سازمانده گرایش راديكال سوسیالیست طبقه کارگر و اعتراضات اجتماعية و جنبش کمونيسم کارگری میداند.

بنظر من انتقال از حزب "مبلغ

على جوادی : يك ویژگی پراتيک سیاسي چپ راديكال محدود کردن فعالیت کمونیستی به تبلیغ و ترویج و افشاگری است. جهان بعد از میکنند. نقد میکنند. توضیح میدهند، ترویج میکنند. در حالیکه اساس فعالیت کمونیستی تلاش برای ایجاد تغييرات محسوس در زندگی انسانهای بسیار است. چپ راديكال و چپ سنتی در این خصوصیات مشترکند. تفسیر و نه تعیير جهان اساس پراتيک سیاسي سازمانی آنها را تشکیل میدهد. در این سنت "سازمان کمونیستی" عدتاً يك سازمان و ماثین افشاگری و تبلیغ است. نه يك سازمان همه جانبه ناذر، افشاگر، سازمانده و تعیير دهنده. تأثير گذار و رهبر. هستی و فلسفه وجودیشان را بودن و نه تعیير جهان تشکیل میدهد. اگر کمونیست را بشود به يك تعريف ساده خلاصه کرد باید گفت که کمونیسم جنبشی برای تعیير و رهابی انسان است. اما در سیستم نگرش چپ راديكال کمونیسم جنبشی برای تفسیر و افشاگری و "پاک و منزه" بودن است. از این رو در اکثر جوامع این نیروها در حاشیه تحولات سیاسي قرار دارند. اهرمی برای تعیير در اختیار ندارد. بعضاً "پاک و منزه" اما حاشیه اى و بى تأثير اند. حاشیه اى بودن این جریانات فقط محصول استبداد سیاسي و سرکوب نیست. در جوامعی که آزادی عمل و ابراز وجود سیاسي افراد تماماً از بین نرفته است نیز این جریانات در حاشیه قرار دارند. فقد فترت عمل برای تغييرات اجتماعية مacro هستند. و زمانیکه به دخالت اجتماعي و کار موثر در زندگی انسانهای بیشمار می آندشنند، این خواست را عدتاً با رفیق تر کردن راديكالیسم شان دنبال میکنند. نمونه ها بسیارند. يك نمونه بارز چنین سنتی برخی جریانات موسوم به "تروتسکیست" هستند. آرمان "انترناسیونالیسم" و "انقلاب کارگری" دیروزشان محدود به تلاش برای دمکراتیزه کردن فلان

سخنرانی منصور حکمت در پلنوم ۱۴ (آخرین پلنومی که حضور داشت) حاوی يك ارزیابی از پراتيک دوره اى حزب بعد از کنگره سوم و يك راه بروز رفت و پیشروی حزب است. در این سخنرانی همینطور به بحث کلیدی اتحاد حزب پس از منصور حکمت اشاره میشود و در باره خطراتی که میتوانند حزب را تهدید کنند هشدار داده شده است. از پلنوم ۱۴ تا امروز هم دنیا تعیير کرده و هم حزب. اما در چهارچوب مفروضات و دستاوردها و متغيرهای ايندوره، هنوز نکات مهم و محوری هستند که باید در آن دقیق شد و استنتاجات روشن سیاسي و عملی از آنها گرفت. بویژه بحث مهم حزب سازمانده - حزب رهبر در این پلنوم طرح شده است و این بحث اساسی فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری برای تامین ملزمومات پیروزی کمونیسم در ایران است. در ادامه مباحث تاکنوی پیرامون حزب سازمانده - حزب رهبر، در چند شماره نشریه به جوانب مختلف مباحث پلنوم ۱۴ حزب مپیردازیم.

### بخش سوم؛

یک دنیای بهتر: يك ویژگی چپ سنتی غیر موثر بودن در مبارزات جاري و غير اجتماعي بودن است. این سنت وقتی میخواهد راديكال باشد غير اجتماعي میشود و وقتی میخواهد اجتماعي باشد کمونیسم اش رفیق میشود. چپ راديكال امروز - که دقیقاً همان چپ سنتی نیست. این خصوصیت را کمابیش حفظ کرده است. بحث انتقال از حزب مبلغ - مروج به حزب رهبر و سازمانده چه تفاوتهاي را در این زمينه ترسیم میکند؟ تا به امر سازماندهی مربوط است، در شرایط و تناسب قوای امروز، محوری ترین تفاوتهاي پراتيک چپ راديكال با پراتيک کمونیستی کارگری چیست؟

## پیرامون مباحث منصور حکمت در پلنوم ۱۴...

توده ای میکند. کمونیسم را به زبان مردم توده ای میکند. مردمی که بگویند کمونیستها بیایند، حکومت کارگری بباید، سوسیالیسم بباید، بهتر است. بقیه امتحانش را پس دادند، بقیه قول میدهند و عمل نمیکنند، کمونیستها میگویند خوشبختی را تقسیم کنیم، سعاد و سلامتی و داش برای همه، آزادی برای همه، گرسنگی و فقر و تبعیض را بر میچینیم، ای کاش کمونیستها بیایند! باید از کمونیستها حمایت کنیم! حزب رهبر سازمانده تفاوتی ماهوی با حزب مبلغ و مروج کلیشه ای دارد. اگر قرار بود تبلیغات به تنهایی بتواند مردم را زیر و رو کند حالا بورژوازی با اینهمه قدرت تبلیغاتی و دروغ پراکنی توانسته بود بشریت را به برده مطبع خود تبدیل کند. چرا نمیتواند بورژوازی حتی علیرغم سازماندهی و تعیین قالبهای زندگی فکری و فرهنگی و اقتصادی مردم، هر روز باید قدرت و مشروعيت سیاسی اش را بازنولید کند. بحث ما اینست که کمونیسم کارگری، همانطور که از ابتدای قرار بود، و سنت مارکسی اینطور بوده، باید تماماً به حزب سازمانده اعتراضات کارگری و اجتماعی، تماماً به ظرف دربرگیرنده رهبران سوسیالیست طبقه، تماماً به محل تشکل و اتحاد رهبران جنبشی اعتراضی، تماماً مشغول سازماندهی و بسیج جنبشی اعتراضی حول خط مشی کمونیستی کارگری خود باشد. اگر حزب قرار است به هر دلیل این نباشد، یا اساساً و عمدتاً نباشد، نه ریشه در تنبلی و بی توجهی سیاسی، نه در کمبود خط و ادبیات و روشهای کار، بلکه در تمایل اجتماعی و سنت جان سختی است که تاریخاً چپ رادیکال و سوسیالیسمهای غیر کارگری داشته است و امروز در اشکال جدیدی به موجودیت سیاسی خود ادامه میدهد. مسئله برسر اینست که پیروزی کارگری در ایران در گرو قدرت و نیروی لازم و کافی است. کمونیسم و راه حل کارگری در سطح ماکرو باید به قدرتی غیر قابل صرف نظر کردن و وحشتی بزرگ در میان کل بورژوازی تبدیل شود. در سطح عملی و سازماندهی توده ای و حزبی طبقه و جنبشی

مدام موازنه قدرت است. حزبی دخیل و حاضر در مرکز جمال سیاسی و پاسخگو به سوالات محوری سیاست روز است. چنین حزبی باید بدوا حزب رهبر و حزب شکل دادن به آرای جامعه و بسیج آنها حول راه حل چپ جامعه باشد. چنین حزبی نمیتواند به زبان آکادمیک و کتاب و فورمول با مردم و توده وسیع طبقه کارگر صحبت کند. مروح و مبلغ کمونیست هرچه چیره دست تر باشد میتواند به زبان ساده تر و آتشین تری توده وسیع مخاطبیش را بسیج کند. حزب رهبر جامعه حزبی است که دستکم در نظر مردم و جامعه یکی از دو سه جریان اصلی در لیگ اول سیاست است. یک شناس و یک آپشن سیاسی و معرفه است. نه ضرورتا از نظر خود آن حزب بلکه از نظر طبقه کارگر و مردم و بورژوازی. حزب رهبر حزبی است که صلاحیت و حقانیتش را در پراتیک انقلابی و انتقادی روزمره به جامعه نشان میدهد و در پس هر تحول سیاسی در مکان قویتر و مهمتری در انتظار جامعه قرار میگیرد. حزب رهبر حزبی سرشناس است، حزب رهبران کمونیست جامعه است، رهبرانش در دل مردم جا دارند، حزبی قابل اتکا است، و مهمتر حزبی است که در جنبش کارگری پایگاه محکم و قدرتمندی دارد و کمونیسم را بعنوان یک جنبش با وزنه قوی در صحنه سیاست نماینده میشوند.

تبیلیغ و ترویج کمونیستی در خود ایرادی ندارد و در مقابل امر کارگری است. حزبی جایگیر در جنبش کارگری است. حزبی اینست که نبض اش با اعتضاب کارگری و اعتراض رادیکال جامعه میزند. حزبی است که همه جا رنگ خود را زده است و بورژوازی را ناچار کرده است که دنبالش بذو. حزب رهبر سازمانده حزبی است که نیروی کارگر و مردم معتبرض را به هم گره میزند، موانع سازمانیابی و تشکل و قدرتشان را رفع میکند، یک جز تعطیل ناپذیر کار هر ساز انتراض اجتماعی است. این میزند، و شناساندن اهداف حزب است. این یک جز تعطیل ناپذیر کار هر جریان سیاسی است. اما یک حزب سیاسی طبق تعریف حزبی برای ساز انتراض اجتماعی است، حزبی کسب قدرت سیاسی است. حزبی مجرماً کمونیسم و رادیکالیسم را آگاهی و آوانتوریسم سیاسی و سکتاریسم، ویژگی عمومی چپ رادیکال یا سوسیالیسم است. دیدگاههای چپ رادیکال است. برای این چپ توده ای نوع رادیکالیسم کمونیستی معنی ندارد چون برایش رادیکالیسم در شکل ناب و شبه مذهبی و ایدئولوژیک آن تنها میتواند معنی پیدا کند. برای این چپ اجتماعی شدن و رهبر جامعه شدن بار معنی ندارد چون جامعه و مکانیزمهای اجتماعی را بعنوان یک داده در پراتیک خود تعریف نمیکند. چپ رادیکال علیرغم اسم و عنوانش بشدت بی مدعا و جو نیوریست است. نه عمل و اثباتاً در نقش رهبر جامعه بمیدان می‌آید و نه انتظار دارد جامعه این چپ را بعنوان رهبر آزادی خود قبول کند. باید تصریح کنم در ایران اطلاق چپ رادیکال توسط برخی محافظ به خود دقیق نیست. بخشا این چپ متاثر از همین دیدگاهها و روشهای کاری است و بخشا این عنوان چتری است که توازن قوای موجود تحلیل کرده است. بعض اینز بدون حساسیت به محتوای سیاسی و نظری و انتقادی تاریخی این خط، تلاش دارند ویژگیهای این چپ رادیکال را فرموله کنند. اما بدرجه ای که نقد مارکسیستی و انتقادی- پراتیکی را بدست میگیرند از چپ رادیکال دور و به کمونیسم کارگری نزدیک میشوند.

تبیلیغ و ترویج کمونیستی کارگری اجتماعی و طبقاتی کارگری نیست. بیشتر به کمونیسم ضد امپریالیستی، کمونیسم کارمندی، انتقاد ضد استبدادی طبقه متوسط و ناراضی نزدیک است تا به انتقاد سوسیالیستی کارگر به نظم کار مزدی و جامعه طبقاتی. چپی مکتبی و ایدئولوژیک است نه یک کمونیسم اجتماعی و انتقادی- پراتیکی. به همین اعتبار جریانی سازمانگر در متن جنبش کارگری و اعتراضات اجتماعی نیست، بیشتر گروه فشار است. تلقی اش از مبارزه اجتماعية و طبقاتی عمدتاً فرقه ای و ایدئولوژیک است. تبلیغ و ترویج عقاید و فراخوان های روزمره و ترویج

## پیرامون مباحث منصور حکمت در پلنوم ۱۴...

کارگری به یک رابطه تنگاتنگ و مهم میان مبارزه برای اصلاحات و انقلاب قائل است. کمونیسم کارگری در عین حالیکه برای سازماندهی انقلاب اجتماعی کارگری مبارزه میکند، برای بهبود شرایط طبقه کارگر و مردم علی العموم نیز مبارزه میکند. دیواری این دو مبارزه را از هم تفکیک نمیکند. بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مردم یک هدف در خود مهم و در عین حال تلاشی برای گسترش جنبش کمونیسم کارگری است. پیشبرد این دو مبارزه و سازماندهی آن رابطه یک حزب کمونیست کارگری و مردم را تعیین میکند. برای کمونیسم کارگری جنبش‌های اجتماعی پیشرو در جامعه بشکل قائم به ذات مطرح و مهم‌اند. بطور مثال جنبش دفاع از حقوق زن، حقوق کودک، برای بسط آزادی‌های سیاسی، سکولاریست و برای مذهب زدایی جنبش‌های اجتماعی قائم به ذاتی هستند که سازماندهی آن، و تلاش برای جلب رهبران رادیکال آن برای کمونیسم کارگری از اهمیت بسزائی برخوردار است.

کمونیسم کارگری در مبارزه برای کسب اصلاحات در عین حال میکوشد که رفرمیسم و افق تنگ و محدود حاکم بر آن را قاطع‌انه به نقد کشد. در رابطه با جنبش کارگری مکانیزم مشابه‌ای عمل میکند. تلاش برای جلب رهبران عملی کارگری، مبارزه برای بهبود روزمره شرایط کار و زیست طبقه کارگر و نقد عمیق رفرمیسم و سندیکالیسم در درون جنبش طبقه کارگر یک وظیفه دائمی و هر روزه ما است. ما باید گرایشات مختلف درون طبقه کارگر را بر مبنای این دو افق قطبی کنیم. باید جنبش سورانی را در مقابل جنبش سندیکالیستی تقویت کنیم. باید افق انقلابی و ضد سرمایه را درون جنبش طبقه کارگر مشکل کنیم.

در سطح عمومی و اجتماعی یک حزب کمونیست کارگری باید بتواند در صفحه ۱۲

دارد و تفاوت‌هایی در عملکرد و زبان اش پدیدار شده است. در ایران، بدلاً لیل ابژکتیو و سوبژکتیو، جنبش کمونیسم کارگری بسیار وسیع است. انقلاب ۱۳۵۷ و رشد چپ در آن دوره تاثیری عمیق بر جامعه گذارده است. رشد جنبش شورایی و عروج آن بعنوان یک گرایش متمایز درون طبقه کارگر یک فاکتور مهم است. بعلاوه ناهمنگونی رژیم حاکم با خواست‌ها و امیال نسل جوان آنچنان عمیق است که کشمکش و رودرورویی آشنا ناپذیری را در جامعه شکل داده است. در نتیجه این شرایط و بحران عمیق اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی موجود یک جنبش اعتراضی رادیکال، مدرن و سکولار در جامعه شکل گرفته است. این جنبش روز به روز بیشتر تحت تاثیر نظریات، تئوری و سنت های کمونیسم کارگری منصور حکمت قرار میگیرد. به این خاطر کمونیسم کارگری در ایران وسیع و بالقوه بسیار قوی است.

یک خصیصه اصلی جریان چپ رادیکال حاشیه‌ای بودن آن است. قادر نیست تاثیر تعیین کننده ای بر معادلات سیاسی و اجتماعی جامعه داشته باشد. همواره بعنوان یک گروه فشار عمل میکند. این خاصیت را هم در میان جریانات چپ در کشورهای غربی و باصطلاح پیشرفت‌هشادیم و هم در کشورهای باصطلاح جهان سوم. سنتا این گونه جریانات برای اینکه بتوانند در قدرت سهیم شوند در اهداف، مطالبات و آرمان‌هایشان بشدت تخفیف داده اند. برای کسب هر کرسی در پارلمان بخشی از رادیکالیسم شان را کنار گذاشته اند. مشکل اینجاست که این گرایش قابلیت تبدیل شدن به یک جریان سیاسی در بستر اصلی را ندارد.

یکی از خصوصیات برجسته کمونیسم کارگری حکمتی تلاش آن برای توده ای کردن رادیکالیسم است. کمونیسم

اجتماعی ناراضی و غیر کارگر را پوششی سوسیالیستی میدهد. پراتیک چپ رادیکال بنا به خصلت غیر اجتماعی و درک معوج اش از رابطه اصلاحات و انقلاب پراتیکی محدود است. پراتیکی در خود است. از مطالبات جنبشهای کارگری و زنان حمایت میکند اما امرش چیز دیگری است. خود جنبش طبقاتی و کمونیسم طبقه کارگر و مکانیزم حرکت آن را نمیشناسد. پراتیک کمونیسم کارگری از جنبش‌های دیگر این کار است. تبدیل شدن به لولای برای تغییر شروع میکند و امر سازماندهی و پیروزی این تلاش را در سطوح مختلف امر خود میداند. پراتیک چپ رادیکال در مقابل پراتیک کمونیستی کارگری است. از ملزومات مهم اینکار فکری و قدرت حزبی و توده ای در جنبشهای اعتراضی و کارگری یک وجه حیاتی دیگر این کار است. تبدیل شدن به لولای سازماندهی و سیعتر تحرکات اجتماعی و غیر حزبی علیه جمهوری اسلامی یک وجه دیگر کار است. تبلیغ و ترویج و جدال فکری چنین حزبی به همین معنا محتوای اجتماعی و طبقاتی گسترشده تر و متفاوت تری دارد و طرف بحث و مجادله چنین جنبشی متفکران اصلی جامعه بورژوازی است. تبدیل شدن کمونیسم به نیروی اول ایوزیسیون یک وجه دیگر اینکار است. حزب رهبر - حزب سازماندهی یک حزب جدی و سینیور کمونیستی کارگری است. چپ رادیکال در تمام این قلمروها در حاشیه جامعه و در دنیای مقولات سیر میکند. در بهترین حالت پشتیبان امر کارگران و دنباله رو حرکات مغلوش است. چپ رادیکال جریانی جونیور و غیر اجتماعی است و آن‌جا هم که مجموعه شرایطی زمینه گسترش عموما در حاشیه جامعه به حیات خود ادامه میدهد و یک گرایش غیراجتماعی است.

علیرغم نیاز غیرقابل انکار دنیای امروز به کمونیسم، چه بعنوان یک جنبش وسیع، چه بعنوان یک الترناتیو اجتماعی و چه در شکل یک حزب کمونیستی، چپ بی شکل و بدون یک برنامه مشخص و بدون تحزب در حاشیه جامعه و جهانی در حال تلا و زندگی است. رابطه حزب سیاسی و جنبش طبقاتی برایش رابطه‌ای کتابی و تئوریک است نه رابطه‌ای دینامیک و پراتیک. چپ رادیکال چندانی بر دنیای پیرامون اش ندارد. در جامعه ایران این چپ تحت تاثیر توده ای کردن کمونیستی را نمایندگی میکند و یا به عبارت دیگر رادیکالیزم طبقات

اعتراضی، کمونیسم باید به یک نیروی اول و یک قدرت مادی و یک فاکتور غیر قابل حذف تبدیل شود. اینها با تبلیغات صرف و آکسیون و تبلیغات حول آکسیون بدست نمی‌آید. تامین هژمونی فکری و سیاسی در جامعه و مشخصا در جنبش کارگری یکی از ملزومات مهم اینکار است. نیرو و قدرت حزبی و توده ای در جنبشهای اعتراضی و کارگری یک وجه حیاتی دیگر این کار است. تبدیل شدن به لولای سازماندهی و سیعتر تحرکات اجتماعی و غیر حزبی علیه جمهوری اسلامی یک وجه دیگر کار است. تبلیغ و ترویج و جدال فکری چنین حزبی به همین معنا محتوای اجتماعی و طبقاتی گسترشده تر و متفاوت تری دارد و طرف بحث و مجادله چنین جنبشی متفکران اصلی جامعه بورژوازی است. تبدیل شدن کمونیسم به نیروی اول ایوزیسیون یک وجه دیگر اینکار است. حزب رهبر - حزب جدی و سینیور کمونیستی کارگری است. چپ رادیکال در تمام این قلمروها در حاشیه جامعه و در دنیای مقولات سیر میکند. در بهترین حالت پشتیبان امر کارگران و دنباله رو حرکات مغلوش است. چپ رادیکال جریانی جونیور و غیر اجتماعی است و آن‌جا هم که مجموعه شرایطی زمینه گسترش عموما در حاشیه جامعه به حیات خود ادامه میدهد و یک گرایش غیراجتماعی است.

چپ رادیکال به مکانیزم‌های اجتماعی و جنبشهای واقعی بینوجه است و چه بسا به آنها کاری ندارد. در حالت بسط یافته آن جنبش اجتماعی مکانی در تفکر و تلقی و متولوژی اش ندارد. رابطه حزب سیاسی و جنبش طبقاتی برایش رابطه‌ای کتابی و تئوریک است نه رابطه‌ای دینامیک و پراتیک. چپ رادیکال در منتها ایه رادیکالیز اسیون خود رادیکالیزم غیر کارگری و غیر کمونیستی را نمایندگی میکند و یا به عبارت دیگر رادیکالیزم طبقات

## پیرامون مباحث منصور حکمت در پلنوم ۱۴...

و روابط و شبکه های کارگران سوسیالیست و رادیکال متعدد کرد. باید به سوخت و ساز طبیعی و داده شده تشكیلات این طیف متکی شد. باید این طیف را مجهز کرد. توان سازماندهی و نقش آن را در اعتراضات جاری جامعه بالا برد. موانع راه گسترش ابراز وجود اجتماعی و سیاسی این طیف را بر طرف کرد. مسالمه ما در درجه اول باید انسجام سیاسی و قدرت عمل اعتراضی و بسیج این گرایش در طبقه باشد. سیاستهای تشکیلاتی ما در میان کارگران باید معطوف به بالا بردن قدرت و توان رهبران عملی این طیف و انسجام بخشنیدن به این طیف باشد. و این همه محصول تلاشی اجتماعی و محلی است.

یک رکن روتین فعالیت در میان کارگران باید نقد سیاستهای جریانات سندیکالیست و ملی - اسلامی و توده ایستی باشد. این جریانات امروز یک گرایش فعال در صفوی کارگران هستند. باید در مقابل، گرایش سورایی، گرایش مجمع عمومی و سیاستهای رادیکال و سوسیالیستی را تقویت کرد. به هر میزان که موانع راه فعالیت و پیشروع این طیف برطرف شود به همان میزان هم قدرت سازماندهی و بسیج و به میدان کشیدن کل طبقه کارگر توسط گرایش کمونیستی ما هموار میشود. در کنار نقد دائم این گرایشات باید بر قدرت مشروعت و مطلوبیت این گرایش افزود. ما نمیتوانیم نقش رهبران عملی را ایفا کنیم و تلاش کنیم با ریموت کنترل هدایت اعتراض روزمره کارگران را عهده دار شویم. اما آنچه میشود کرد و باید انجام داد تلاش برای گسترش حوزه اجتماعی فعالیت رهبران عملی رادیکال - سوسیالیست است. اتحاد و انسجام این طیف. بالابردن توان و ظرفیت بسیج و سازماندهی این طیف. افزایش محبوبیت چهره ها و فعالین این جنبش باید از ارکان سیاست سازماندهی ما در میان کارگران باشند. حزب سازماندهی حزبی متکی به رهبران عملی و سازمانده طبقه است.

برای تبدیل شدن به ظرف اعتراض کارگران سوسیالیست و رادیکال باید به نقد پایه ای این نگرش پرداخت. باید کارگران را ابتدائی در ظرف طبیعی تشكیل

سیاستی است. رهبران کارگری، فعالین کارگری، کارگران متعارض، آحادی هستند که با پیوستن به سازمان میتوانند متعدد و منسجم شوند. سازمان در این نگرش محور اتحاد و تجسم نهایی وحدت است. همه فعالیتها در این نگرش در پیوستن به سازمان خلاصه میشود. فعالیت کمونیستی در این نگرش یعنی جذب عضو به سازمان و بسیج این طیف از رهبران و فعالین عملی نمیتوان در راس اعتراضات جامعه قرار گرفت. نمیتوان از فرای سر این رهبران عامل تغییر و سازماندهی در جامعه شد. حزب کارگران میبینیم. این نگرش به سوخت و ساز درون طبقه و جنبش بی تفاوت است. جنبش پدیده ای قائم به ذات و داده شده نیست. اتحاد و وحدت کارگران رادیکال و سوسیالیست و حزب رهبران اعتراضات آزادیخواهانه و برابری طبلانه در تمامی جوانب خود تبدیل شود. ذاته قدرت عمل و سازماندهی جنبش و حزب متابعی از قدرت عمل این رهبران عملی در جامعه است. متعدد کردن و نزدیکتر کردن این رهبران در شبکه ها و محافل و نزدیک تر کردنشان به حزب کمونیستی کارگری یک پایه چنین تلاشی است.

حزب کمونیست کارگری باید بتواند در سطح اجتماعی اعتماد عمومی مردم را به قابلیت رهبری خود جلب کند. در سطح محلی باید بتواند رهبران رادیکال جنبش های اعتراضی اجتماعی را بخود جلب نماید. به این منظور باید رهبران اش بتوانند در سطح سیاستمداران بر جسته جامعه ظاهر شوند. و در سطح محلی باید بتواند قابلیت سازماندهی و رهبری خود را به شبکه ها و ادامه حزب و سازمان است. جنبش وجود دارد چون سازمان وجود دارد. و نتیجاً سیستم حزب غایت نهایی "رشد سازمانی" رهبران عملی و اتحاد کارگری است. تمام فراخوانش این است که به حزب بپویند. در این نگرش این گرایش از جنبش کارگری بمتابه یک جنبش اجتماعی برسمیت شناخته نمیشود. کارگر "فرد" است. اتم است. سازمان همه چیز است و جنبش هیچ چیز. سازمان پدیده ای قائم به ذات است. دارای حکمت وجودی خودش است. همه چیز در این خلاصه میشود که سازمان چه تعداد از این بخش از فعالین کارگری را با خود دارد. نتیجاً رقابت سازمانی و تلاش برای جلب "عضو" مبنای اصلی حرکت و سوخت و سازش در میان کارگران است. بخش بخشنده کارگران و نه متعدد کردن کارگران رادیکال و سوسیالیست یک نتیجه تعیین چنین

**یک دنیای بهتر: منصور حکمت** برای قرار دادن حزب در موقعیت رهبر و سازمانده چه مولفه هایی را مدنظر داشت. اگر متند منصور حکمت را در شرایط امروز بکار بگیریم چه اقدامات عاجلی باید در دستور قرار گیرند؟

**علی جوادی : حلقه اصلی در تبدیل به حزب سازمانده - رهبر،**

پیرامون مباحث منصور حکمت در پلنوم ۱۴ ...

وجود ندارد. اگر برای مداوای بیماری باید به دکتر رفت، برای رهبر و سازمانده شدن هم باید به قلب جامعه و جنبش‌های اعتراضی و کارگری زد. حضور داشت، سیاست و نقشه عمل و تز و تئوری داشت، پاسخ دیگران را داد و غیره.

اعتراضات و اعتراضات کارگری شدن است، قرار دادن جنیش کارگری و راه حل کارگری بعنوان راه آزادی گامه است. سازمانگری حزبی و توده ای طبقه کارگر در اشکال و سطوح مختلف است. برسمیت شناخته شدن بعنوان معتبرترین حزب کمونیستی و حزب کارگری از جانب توده وسیع کارگران است.

در عین حال کمونیسم بعنوان یک راه حل سیاسی و رهبر آزادی جامعه کارهای فراتر از سازماندهی و رهبری اعتراضات دارد. در این قلمرو از آمریکا و دولتهای غربی تا اپوزیسیون راست و قوم پرست و دیگران حضور دارند. امکانات و نقاط مساعد و نامساعد وجود دارد. شبی زمین بنفع جریان کمونیستی نیست. کمونیسم باید در قلمرو سیاست سراسری مهرش را قویا بکوید. در دوره منصور حکمت حزب مهمترین جریان اپوزیسیون ایران بود. این موقعیت را باید کمونیسم کارگری مجدد بدست بیاورد. حزبی که در سطح وسیع به عنوان یک پای قدرت و یک شناس و رهبر و نیروی اول اپوزیسیون شناخته شود، جاذبه وسیعی برای گرفتن نیرو پیدا میکند. چنین حزبی میتواند در سطح بین المللی و خارج کشور به یک قدرت و اهرم فشار قوی روی رژیم اسلامی تبدیل شود. دست سرکوبگران را از سر فعالین کارگری و رهبران جنبشهای اعتراضی کوتاه کند. نیروی مردم را در خارج ایران به نیروی کمپ آزادخواهی و سکولاریسم و برابری طلبی تبدیل کند. بعنوان رهبر و سخنگوی ترقیخواهی و مدرنیسم و برابری طلبی با مردم به طرق مختلف حرف بزند و از طریق مکانیزمهای موجود و اجتماعی دنیای امروز وارد یک سوخت و ساز مستمر و اجتماعی با این توده وسیع شود. ما امروز کاری به ایرانیان خارج و مردم و کارگران اروپا و آمریکا نداریم. اقداماتمان بسیار میکروتر و کوچک تر از پتانسیلی است که میتواند فعل شود. نفس این بینش و عمل سیاسی، مستقل از محدودیتهای فنی و مالی، بیانگر دیدگاه غیر اجتماعی و بقایای سنت

در جامعه جنبش‌های اجتماعی و اعتراضات وسیعی وجود دارد. کمونیسم باید حلقه‌های اصلی بسیج توده ای مردم علیه رژیم اسلامی و وضعیت فلاتکتار موجود را دست بگیرد و حول آن بسازد. مسئله این نیست که باید دنبال هر اعتراض و حرکت سیاسی رفت. حتماً باید از بزنگاه‌های سیاسی به نفع پیشروی کل جنبش طبقاتی و کمونیسم استفاده کرد. اما مسئله اساسی تر شکل دادن به اعتراضاتی است که واقعی تر و اصیل ترند و پایه‌های اجتماعی کمونیسم و آزادخواهی را تقویت می‌کنند. حزب سیاسی کمونیستی باید حزب شکل دادن به این اتفاقات باشد. اینجا باز به مقوله سازمان و سازماندهی بر می‌خوریم. همینطور در جامعه و در هر جنبش معین دیدگاهها و نظریاتی وجود دارند که حرکت این جنبشها را تحت تاثیر خود قرار میدهند. کمونیسم برای دخالت در این جنبشها باید ویژن خود را بدست دهد، با دیدگاهها و افکهای محدود به جدال بپردازد، به سوالات محوری و مضولات جواب دهد، راهها و اشکال سازمانیابی را با توجه به تناسب قوای بدست دهد، از عملیات و حرکات آونتوريستی و مخرب اجتناب کند. کمونیسم برای دخالتگری باید همه جا باشد. یک قطب مطرح و موجود و قابل مراججه و موضوع بحث محافل و مجالس باشد. نمیتوان مانیتوری رهبری کرد، نمیتوان در متن اعتراض نبود و رهبری کرد، نمیتوان رهبران فی الحال موجود را به کمونیسم و سیاست و تاکتیک کمونیستی مجاب نکرد و رهبری کرد، نسخه طلائی

رهبری کمونیستی در جنبش سرنگونی، در جنبش کارگری، و در جنبش‌های آزادیخواهانه دیگر میتواند یک حزب سیاسی را در مقیاس رهبری جامعه بمیدان بیاورد. این تامین رهبری طبعاً شامل خط و سیاست و تاکتیک و شناخت دقیق از روند رویدادها و پاسخ اصولی و کمونیستی به آن است. همینطور میدان را برای کمونیستها خالی

حزبیت کارگری و روی آوری به حزب توسط فعالین و رهبران عملی کارگری تنها در گسترش این سیاست است که متحقق خواهد شد. حزبیت کمونیستی تنها با در دست گرفتن چنین سیاستی منجر به روی آوری و اعتماد رهبران رادیکال و سوسیالیست کارگری به حزب و سازمان کمونیستی خواهد شد.

سیاوش دانشور: بحث منصور  
حاکمت را توصیه میکنم همه بارها  
و بارها بخوانند. یک منبع غنی  
آموزشی است. من از تکرار اینجا  
اجتناب میکنم اما چند نکته  
محوری را توضیح میدهیم؛ نقطه  
شروع و تلاش منصور حکمت  
اینبود که حزب را به مرکز سیاسی  
پرداز و بعنوان یک حزب سیاسی  
تمام عیار در جال قدرت شرکت  
دهد. قرار بود حزب به رهبر  
جامعه تبدیل شود. این امر با  
عنوان و با ادعای من رهبرم  
حقیق نمیشود. با لیست کردن  
سوابق درخسان حقوق نمیشود.  
کمونیسم چیزی نیست جز پرانتیک  
انسانی. کمونیسم در هر دوره  
ناچار است با تلاش و پاسخ به  
سوالات واقعی خود را اثبات کند.  
در نتیجه تبدیل شدن به رهبر  
جامعه، با فرض معرفه کردن  
حزب بعنوان حزبی که به قدرت  
سیاسی نظر دارد، رهبر شدن به  
معنای سیاسی و اجتماعی است.  
باید در جلوی اعتراض جامعه  
بود، پرچمدار اعتراض جامعه

اقدامات متنوعی لازمند؛ در جنبش کارگری که اساس کار حزب کمونیستی کارگری آنجاست، باید کمونیسم به یک اتوريته معتبر تبدیل شود. لازمه اینکار بودن در جمله‌ای جنبش کارگری و ثبتیت سیاستها و راه حلها و تاکتیک‌های کمونیستی است، جذب طیف بیشتری از رهبران کمونیست و سوسیالیست طبقه به حزب است، لولا شدن اتحاد جنبش کارگری در مقابل سرمایه داران و حکومت سرمایه داری است، رهبر اصلی رهبر تبدیل شد. همانطور که یک رهبر کارگری بیخودی رهبر کارگران نمیشود، یک حزب سیاسی کمونیستی هم بیخودی رهبر جامعه و طبقه نمیشود. اگر اینطور بود همه احزاب سیاسی رهبر مردم بودند، چرا نیستند؟ برای رهبر شدن باید بدوا در این قامات ظاهر شد و موانع اینرا کوپید. باید در متن و حرکت جنبش و اعتراض واقعی حضور داشت و مهمتر به مسیر و حرکت آن شکل داد. تامین حضور کمونیسم و

## پیرامون مباحث منصور حکمت در پلنوم ۱۴...

اوپساع و ضرورت اتخاذ سیاستهای جدید وجود دارد. آیا دلایل مشابه روی این خط نرفتن را توجیه می‌کند؟

**علی جوادی :** من شناخت بیشتری از علل و عوامل دوری سیاست حاکم بر حزب کمونیست کارگری از سیاستهای کمونیستی مورد نظر منصور حکمت در زمینه سازماندهی و پراتیک سازمانی دارم. قضایت اصولی و همه جانبی در زمینه سیاست عملی و سازماندهی حاکم بر حزب کمونیست در این زمینه را به زمان دیگری واگذار می‌کنم. اما تا آنجائیکه از فاصله دور و با شناخت اندک میتوان قضایت کرد باید بگویم که این رفاقتانکون تاکید بیشتری بر امر سازماندهی داشته اند. مطالب متعددی در زمینه سیاست سازماندهی نگاشته اند که باید خواند و مورد قضایت قرار داد.

اما بطور خلاصه، هم عدم پیشرفت سازمانی و هم علل دوری حزب کمونیست کارگری از سیاست مورد نظر منصور حکمت در زمینه سیاست سازماندهی، دلایل یکسانی دارند. گرایش چپ رادیکال در حزب سیاست سازماندهی خود را دارد، سیاستی مجزا و متمایز از سیاست سازماندهی و سیاست کمونیستی منصور حکمت در میان کارگران. سیاستی که اساساً ادامه سیاستهای چپ رادیکال در زمینه سازماندهی است. عدم موقفیت سیاست سازمانی حزب کمونیست کارگری اساساً ناشی از این تقاضات نگرش و بینش سازماندهی است. تا زمانیکه این نگرش بر خط مشی سازماندهی حزب غالب است، ما شاهد تغییری کیفی در موقعیت سازمانی حزب در میان کارگران نخواهیم بود. حزب کمونیست کارگری حزبی سازمانده و رهبر نیست. رهبری کنونی حزب هم تلاشی در این زمینه ندارد.

متاسفانه علیرغم تلاشهای منصور حکمت مبتنی بر قرار دادن سیاست صفحه ۱۵

سریعاً رابطه کادرها و رهبری تحکیم شود. کنفرانس های حضوری بطور مرتب سازمان یابد. مدارس حزبی به شکل دائمی، نه فرمال و نمایشی، برای آموزش مارکس و منصور حکمت تشکیل شود.

رهبری مرتكز. اکنون حزب کمونیست کارگری کاملاً به یک حزب "ویرچوال" بدل شده است. همه چی در دنیای اینترنت میگذرد. فلسفه وجودی مبارزه کمونیستی، دیدن انسان ها، بحث برای قانع کردن آنها، تهییج آنها برای دست زدن به یک عمل مشترک و بعد انجام آن عمل مشترک است. شکل سازمانیابی حزب اکنون جهت عکس این عمل میکند. انسان ها وقتی به حزب جلب شدند از دنیای واقعی به دنیای "سایبر" میروند. هر شب در مقابل کامپیوتر، در خلوت خود، در جلسات اینترنتی حضور بهم میرسانند. خانه های حزبی عملاً تعطیل شده است.

محل و پاتوقی برای دیدن یکدیگر و نزدیک شدن به یکدیگر و مشارکت فکری و نظری پیدا کردن وجود ندارد.

بنظر من بغیر از مساله کنار گذاشتن رهبری جمعی که کمر حزب را شکست، عدم مرتكز رهبری و تبدیل حزب به یک حزب ویرچوال بزرگترین ضربه سیاسی - تشكیلاتی را به حزب وارد آورد. متاسفانه هرگاه این مساله را با رهبری مطرح میکنی، میگوید درست است ولی کاری نمیشود کرد. عدم تلاش برای تغییر مشکلاتی که کمی دشوار بنمایند یک خصلت مژمن رهبری حاکم است.

**یک دنیای بهتر:** یک بررسی مسئولانه و کمونیستی از پراتیک دو حزب کمونیست کارگری - بعد از انشعاب- حاکی از آنست که مباحث پلنوم چهارده خط راهنمای فعالیت کمونیست کارگری نیست. از نظر شما دلائل کدامند؟ یک ارزیابی عموماً مشترک مبنی بر "تغییر

این سیاست است. تنها کافی نیست که معروف شویم یا چهره هایمان را بشناسند، باید بطور واقعی در نقش رهبری جنبش های معین ظاهر شویم.

تلash برای جلب و جذب رهبران عملی و رادیکال کارگری و جنبش های اعتراضی اجتماعی دیگر یک رکن دیگر تبدیل شدن به حزب رهبر، حزب سازمانده است. بدون این رهبران عملی در محل ما قادر به سازماندهی این جنبش به نخواهیم بود. از راه دور، از طریق تلفن و اینترنت و تلویزیون و بصورت کنترل از راه دور نمیتوان یک جنبش اجتماعی را سازماندهی کرد. این یک اصل مهمی است که متاسفانه رهبری حزب اصلاً در مورد آن گوش شناور ندارد.

بطور کلی روشهای رهبری و سیک کار، سازمان داخل و سیک کار در ایران، سازمان خارج و سیک کار در خارج، نگرش به امر رهبری جامعه و جنبش سرنگونی، تبلیغات، سوخت و ساز سیاسی و فکری ما و غیره، پاسخگوی نیازها و الزامات جنبش ما و موقعیتی که باید در آن قرار بگیریم نیست. اینها باید در کل جنبش کمونیسم کارگری متحول شوند.

**آذر ماجدی:** بنظر من اولین فاکتور تلاش برای تبدیل شدن به نیروی اول اپوزیسیون است. به این منظور رهبری حزب باید به مسائل گرده جامعه و مردم پاسخ های روش داشته باشد. باید بتواند نقطه سازش هایی که جریانات و احزاب سیاسی دیگر در مقابل مردم و مبارزه شان برای سرنگونی رژیم اسلامی قرار میدهند، خنثی کند. باید بتواند اعتقاد مردم را وسیعاً جلب کند. تلاش برای نمایندگی و تعمیق "نه" مردم در این جدال اساسی سازماندهی مردم و جلب آنها به کمونیست کارگری باید در سرلوحة فعالیت های ما قرار گیرد. آکسیون به نیروی سازمانی سیاستی نخ نما شده است و دارد عمل استرونی و مضرات خود را نشان میدهد. ما باید به درون جامعه ایرانی الاصلان مقیم خارج نفوذ کنیم و پیشروان این جامعه را به جنبش و حزب مان جلب کنیم.

کاربرست وسیع تر مبحث حزب و جامعه باید در دستور قرار گیرد. معرفی کادرها و رهبری حزب صرفایک وجه از این سیاست است که توسط تلویزیون و یا سایت های حزب انجام میشود. تبدیل شدن به رهبران واقعی جنبش های متفاوت رکن اصلی

## پیرامون مباحث منصور حکمت در پلنوم ۱۴...

مباحث کارگری کمونیسم کارگری که قدمتی بسیار بیشتر دارد. مباحث مربوط به کارگران رادیکال - سوسیالیست، سازماندهی کارگری، عضویت کارگری، بحث آذینتور و غیره. تبدیل حزب به حزب اول اپوزیسیون و تغییر حزب به حزبی که خارج کشور را روی سر خود میگذارد از قبل از کنگره ۳ مطرح بود. بحث سلبی - اثباتی از قبل از کنگره ۳ آغاز شد و در حاشیه این کنگره به یک بحث سینیاری بدل گشت. پرورش کادر و ایجاد یک ستون فقرات از کادرهای مارکسیست، تز تشكیل حزب از دیدگاه منصور حکمت بوده است. از اولین کنفرانس کادرها در سال ۱۹۹۲ منصور حکمت بر این کار پای فشرده است و رهبری را برای نپرداختن به آن مورد نقد قرار داده است. مساله تمرکز رهبری نیز بحثی قدمی تر است. تلاش های او برای تامین این نیاز از بعد از کنگره ۲ آغاز شد. ساختن یک حزب تمام عیار سیاسی، مدرن با حسابرسی نیز بحثی سابقه دار بود. رهبری تلفنی و پس از به بازار آمدن اینترنت، رهبری تلفنی - اینترنتی مدتھا بود که مورد نقد منصور حکمت بود.

نابراین مباحث پلنوم ۱۴ مباحث جدیدی نبودند. بهمین خاطر است که می بینیم او نقد تندی را متوجه رهبری میکند. برای اینکه بارها و بارها این مباحث را بشکل سینار، کنفرانس، در پلنوم ها، جلسات دفترسیاسی و هیات دیبران، حتی در بحث های حاشیه ای مطرح کرده بود. ده ها نقشه عمل برای پیاده کردن آنها ارائه داده بود. ولی حزب لاک پشتی حرکت میکرد. روشن است که علت اصلی را باید در رهبری جستجو کرد. الان که به گذشته فکر میکنم، بویژه در متن و قایعی که در ۵ سال اخیر بوقوع پیوست و خطوط و سبک کاری که عملا بر هر دو حزب پس از انشعاب حاکم شد، متوجه میشوم که این مقاومت گرایش چپ رادیکال در مقابل کمونیسم کارگری حکمتی بود. بعض اشاید ندانم کاری بود. اما آن سنتی که رهبری حزب عمدتاً بطور صفحه ۱۶

به مباحث اولیه کمونیسم کارگری نگاه کنید. به سیاست سازماندهی ما در میان کارگران نگاه کنید. به سند اولویتها و جهتگیریها حتی در دوره فراکسیون کمونیسم کارگری در حزب کمونیست ایران نگاه کنید، انگار برای امروز نوشته شده اند. آنچه تازگی تئوریها و نظریات مارکس و منصور حکمت را حفظ میکند، نگرش عمیق و رادیکال و اجتماعی و انسانی و کمونیستی است. به نظر من نقد پلنوم چهارده نقدی عمیق و نوعی اتمام حجت است. هر کمونیست کارگری که امروز میخواهد کاری صورت دهد این مبحث یک منبع غنی است. خارج کشور و پراتیک دو حزب را نگاه کنید. کجا این پراتیک با سیاستها و جهت پلنوم ۱۴ خوانانی دارد؟ هر عرصه ای را سر میکشید همین است.

بنظر من دیدگاه چپ رادیکال بعد از درگذشت منصور حکمت ساز خود را زد، سیاست و ویژن خود را آورد، و نتیجتاً هر نوع ارجاع به ایندوره منتفی شد. تا همین اواخر در حزب ما خواست انتشار این مبحث با مقاومت و ملاحظات روپرور بود تا چه رسد به اتخاذ آن. در دو حزب فعلی حاکمیت این دیدگاه بر سیاستها و نوع رهبری منشا عدم اتخاذ سیاستها پلنوم چهارده است.

**آفر ماجدی: بنظر من عدم کاربست این مباحث را باید از پیش از انشعاب بررسی کرد.** منصور حکمت در پلنوم ۱۴ خیلی صریح و روشن مباحثی را برای پیشبرد حزب و تبدیل آن به حزبی قوی در بستر اصلی جامعه، برای تبدیل حزب به حزب رهبر و سازمانده مطرح میکند. اما باید توجه داشت که این اولین بار نبود که وی این مباحث را مطرح میکرد. بطور مثال مبحث حزب و جامعه و کاربست وسیع آن از پلنوم ۹ حزب در نوامبر ۱۹۹۸ مطرح شده بود. در پلنوم ۱۰ و کنگره سوم بر آن تاکید دوباره شد.

نگاه میکند، مستقل از هر نظری که در مورد مواضع ما دارد، به عینه دیدگاهها و روشهای سنتی سابق را میبیند. یک نگاه و بررسی ساده پراتیک دو حزب نشان میدهد که اساساً دو حزب سراغ مباحث پلنوم چهارده نرفت. نه فقط برای پراتیک آن بلکه مورد ارجاع سیاسی هم قرار نگرفت. حتماً مسائل بعد از درگذشت منصور حکمت و اتفاقات و رویداهای بعد آن مجال ندانند. اما به نظر من گذشتن از این مباحث و از جمله بحث و طرح رهبری جمعی حزب، که در همین پلنوم و بنا به شناخت از رهبری حزب ارائه شده بود، حاکی از آن است که "عبور" از مباحث پلنوم چهارده همگانی بوده است. مثلاً طرح لیدر شب یکی از مواردی است که تا کنون منشا تفرقه و شکاف در حزب و حتی بعد از انشعاب در دو حزب بوده است. بعد انشعاب تقاضیر مکتبی و سابقه تراشی و غیره حقایق را در هاله ای از ابهام قرار داد و ارجاع به این مباحث را سخت تر کرد.

**سیاوش دانشور: دلائل را در پاسخ سوالات قبلی برشمدم. یک بیماری قدیمی جنبش ما متأثر بودن از دیدگاههای چپ رادیکال و روشهای قدمی تر را پیج در چپ است. منصور حکمت همیشه در مباحثش در این زمینه سخن میگفت. در همان پلنوم چهارده و جلسات قبل تر کمیته مرکزی و پلنومها بارها تاکید کرده بود که ما به جریانات چپ سنتی نزدیک تر هستیم تا به سنتهای خود ویژه کمونیسم کارگری. مشغله ها و بحث ها و مطالب و غیره در زمین معتبری بیشتر متمرکز بود تا سوالات و مسائل کمونیسم کارگری امروز. موضوع تحرب کمونیستی و تلقی از حزب سیاسی یکی از این موارد است که تا کنگره سوم و پلنوم چهارده در مورد آن صحبت میشود. الگوها و روشها و انتظارات کماییش قدمی اند. تغییرات و پیشرویهای جدی داشتیم و قابل مقایسه با نمونه های موجود این سنت نبودیم، اما تماماً نکنده بودیم. امروز هم همین است. میکنم اعتبار نظریات منصور حکمت روز به روز بیشتر میشود. حزب سیاسی و فراکسیون و غیره**

## پیرامون مباحث منصور حکمت در پلنوم ۱۴...

**سیاوش دانشور:** من معتقدم نمیتوان از کند و کاو در دینگاههای رهبران کمونیست و نظریه پردازان مارکسیست جلوگیری کرد. هنوز هر سال در کشورهای مختلف کنگره مارکس، فروم مارکسیستها، مجتمع مارکسیستی، مشغول ریویو نظریات مارکس هستند. صدھا حزب کمونیستی تشکیل شدند که هر کدام تلقی خود را از مارکس بدست دادند. منصور حکمت از این قاعده مستثنی نخواهد شد و کسی اصولاً نمیتواند و نباید مانع اینکار شود. خود جریان ما در انقلاب ایران برسر مارکس چیست و مارکسیسم چیست وارد جذل و سیاسی موج نگرشی مکتبی در زمینه برخورد به کمونیسم منصور حکمت است. در همان حال که سیاستهای کمونیستی منصور حکمت حاشیه ای میشود در همان زمان هم به دعوای فرقه ای در مورد منصور حکمت دامن زده میشود.

**مباحث اخیر در حزب کمونیست کارگری** گویای این سیاست است. در شرایطی که رهبری حزب اعلام میکرد باید از منصور حکمت عبور کرد، در همان زمان به ما که منقد این سیاست رهبری بودیم بیشترین اتهامات را میزدند. و این انتقاد ما به سیاست "عبور" از منصور حکمت را یک "اتهام" سیاسی می نامیدند. این یک نمونه برخورد فرقه ای به منصور حکمت است. سیاستهایش مد نظر نیست. کمونیسم اش مد نظر نیست. میشود آن را بایگانی کرد. سیاست فرقه ای محصول گسترش سیاست و نفوذ آراء چپ رادیکال در حزب و برخورد فرقه ای به منصور حکمت است.

راه جلوگیری از این روندی نه توصیه اخلاقی. نه جدال در این زمین بلكه قرار دادن جنبش اجتماعی کمونیسم کارگری و کمونیسم منصور حکمت در مقابل سیاستهای چپ رادیکال است. راه دیگری نیست. ما اجازه نخواهیم داد.

با این گفته منصور حکمت چگونه باید برخورد کرد؟ من فکر میکنم هیچ نوع خودزنی و انتقاد عرفانی نیاز ندارد. حزب ما هیچوقت حزبی نبود که منصور حکمت میخواست. اگر انتظارات و دینگاههای او واقعاً اتخاذ میشد و پیش میرفت، شاید امروز صحنه سیاست ایران و خاورمیانه طور دیگری بود و ما این بحث را نمیکردیم. منصور حکمت فردی ویژه بود. او محصول و فشرده تاریخ و نقد عمیق زمانه بود که متسفانه خیلی زود از دست رفت. کسی نه میتواند جایش را پر کند، نه کسی میتواند خود را کلید دار و مرجع منصور حکمت چه میگفت بنامد، و نه

به هر میزان که ما شاهد گسترش سیاستها و تمایلات چپ رادیکال در صفوی حزب کمونیست کارگری بوده ایم به همان میزان هم شاهد تغییر و تحول در کاربرد سیاستهای مورد نظر منصور حکمت در حزب بوده ایم. چپ رادیکال نیاز حیاتی به کمونیسم منصور حکمت ندارد. سیاستهای خودش را دارد. "در افزوده های" خودش را دارد و به قول حمید تقوایی حزب اکنون روی خط ایشان است و نه روی خط منصور حکمت. این چرخش سیاسی موج نگرشی مکتبی در زمینه برخورد به کمونیسم منصور حکمت است. در همان حال که سیاستهای کمونیستی منصور حکمت حاشیه ای میشود در همان زمان هم به دعوای فرقه ای در مورد منصور حکمت دامن زده میشود.

**بنظر من عدم پیشرفت مباحث پلنوم ۱۴** و عدم ارجاع به آن را باید در حاکمیت گرایش چپ رادیکال در هر دو حزب جستجو کرد. و این هم یک پیوی ای نیست که یک شبه رائیده شده باشد. گرایش چپ رادیکال در حزب به حیات جان سخت خود ادامه داده بود و در زمان حیات منصور حکمت هم در حزب جولان میداد. پس از مرگ او کاملاً بر حزب حاکم شد. این استدلال که ما حلو رفته ایم و ارجاع به مباحث پلنوم ۱۴ بازگشت به عقب است، توجیه و مقاومت گرایش چپ رادیکال در مقابل گرایش کمونیسم کارگری است. این توجیه ای آسان و مردم پسند برای دنبال کردن سیاست هایی است که ربطی به کمونیسم چگونه باید برخورد کرد؟ چه سیاستی باید در پیش گرفت که دعوای مکتبی جنبش کمونیسم کارگری را تهدید نکند؟

**علی جوادی :** دعوای مکتبی حاصل سیاست و نگرش مکتبی و فرقه ای است. تبدیل کمونیسم کارگری منصور حکمت به کمونیسم مکتبی محصول چرخش اجتماعی و چرخش در کاربرد کمونیسم منصور حکمت است. اکنون دیگر حسابی در رهبری حزب به عقب عبور کرده است. اکنون دیگر حسابی در گرایش چپ رادیکال جا خوش کرده است. اکنون دیگر حسابی در کارگری منصور حکمت از چنین چرخشی حد و محدودیتی دارد.

مساله اینجاست که منصور حکمت در میان تمام بخشاهای جنبش کمونیسم کارگری دارای محبوبیت و جایگاه سیاسی خاصی است. اما این یورش گسترده و تعرضی به

خودبخودی به آن تمایل پیدا میکرد، خط چپ رادیکال بود. خط چپ رادیکال جان سخت تر از آن بود که با این همه تلاش و این گنجینه وسیع تئوریک از پا بیافتد. زمانی که منصور حکمت خود ۱۷، یعنی حدود ۸-۷ ماه پس از مرگ منصور حکمت، رفیق حمید تقوایی به من گفت که با رفیق کورش مدرسی صحبت میکرده است و آنها هر دو بر این نظر اند، که من از زیر سایه منصور حکمت نمیتوان خارج شوم و مشکلات و نقدی که به حزب و رهبری و غیره دارم از آنچنانشی میشود. بتربیح منصور حکمت حاشیه ای میشود در همان زمان هم به دعوای فرقه ای در مورد منصور حکمت دامن زده میشود.

**بنظر من عدم پیشرفت مباحث پلنوم ۱۴** و عدم ارجاع به آن را باید در حاکمیت گرایش چپ رادیکال در هر دو حزب جستجو کرد. و این هم یک پیوی ای نیست که یک شبه رائیده شده باشد. گرایش چپ رادیکال در حزب به حیات جان سخت خود ادامه داده بود و در زمان حیات منصور حکمت هم در حزب جولان میداد. پس از مرگ او کاملاً بر حزب حاکم شد. این استدلال که ما حلو رفته ایم و ارجاع به مباحث پلنوم ۱۴ بازگشت به عقب است، توجیه و مقاومت گرایش چپ رادیکال در مقابل گرایش کمونیسم کارگری است. این توجیه ای آسان و مردم پسند برای دنبال کردن سیاست هایی است که ربطی به کمونیسم چگونه باید برخورد کرد؟ چه سیاستی باید در پیش گرفت که دعوای مکتبی جنبش کمونیسم کارگری را تهدید نکند؟

**علی جوادی :** دعوای مکتبی حاصل سیاست و نگرش مکتبی و فرقه ای است. تبدیل کمونیسم کارگری منصور حکمت به کمونیسم مکتبی محصول چرخش اجتماعی و چرخش در کاربرد کمونیسم منصور حکمت است. اکنون دیگر حسابی در گرایش چپ رادیکال جا خوش کرده است. اکنون دیگر حسابی در کارگری منصور حکمت از چنین چرخشی حد و محدودیتی دارد.

مساله اینجاست که منصور حکمت در میان تمام بخشاهای جنبش کمونیسم کارگری دارای محبوبیت و جایگاه سیاسی خاصی است. اما این یورش گسترده و تعرضی به

## پیرامون مباحث منصور حکمت در پلنوم ۱۴...

صفت منجمد را زده اند که فکر میکنم در صورت ادامه آن وضعیت "واقعاً منجمد میشدم!" در این فضای است که گرایش های چپ سنتی حتی توده ایستی در حزب میتوانند جولان دهند و با استقبال روبرو شوند.

اما چه باید کرد؟ آیا با این حساب باید این دو حزب را از جنبش کمونیسم کارگری خارج دانست؟ بنظر من خیر. این دو حزب هر دو در عین حالیکه گرایش چپ رادیکال بر آنها حاکم است، در حزب کمونیست کارگری ریشه دارند. این بنظر من یک فاکتور مهم است. هر دو برنامه یک دنیای بهتر را قبول دارند. اصول سازمانی حزب، اگر چه بپایه نمیشود، بطور رسمی بر حزب حاکم است. منصور حکمت و آثارش حتی بشکل فرمال برای هر دو حزب محل ارجاع تئوریک است. هر دو خود را متعلق به این جنبش میدانند. بنظر من این فاکتور های عینی مهمی است که باید در نظر گرفته شود. در غیر این صورت به جنگ فرقه ای میافتد. هم اکنون در مقابل مباحث کارگری، یکی از رفقاء حکمتیست گفته است که حزب کمونیست کارگری هیچ ربطی به کمونیسم کارگری ندارد و غیره. این یعنی جنگ فرقه ای. ارجاع ما ضمناً به شیوه برخورد منصور حکمت در مورد ایجاد حزب کمونیست کارگری عراق نیز هست. این مورد نمونه بسیار خوبی برای تلاش ما برای اتحاد صفوی جنبش کمونیسم کارگری است. لیکن فعلای سکتاریسم مانع اصلی است.

\*\*\*

را درک نمیکردم. پس از مرگ وی بود که کم برایم روشن شد و بعد از انشعاب برایم فرموله شد. باخاطر دارم که در پلنوم ۱۷ در دفاع از رهبری جمعی به همین نکته اشاره کردم. که رهبری فعلی هیچگاه خود در قالب رهبری ظاهر شده است. در بهترین حالت سیاست های منصور حکمت را اجرا کرده است. و از پلنوم خواستم که اجازه دهدند برای یک دوره ما روى پاي خود بايستيم و رهبری کنيم، از يكى دو تند پيچ عبور کنيم و بعد مساله بازگشت به طرح ليدر را مطرح کنيم. اين بحث من از طرف رفقاء طرفدار طرح ليدر به سخره گرفته شد. بهشان برخورد. گفتند که من دارم در ناتوانی رهبری حزب ارثیاسیون میکنم.

سیاست های مصوب در هر دو حزب در این مدت و سبک کار فعالیت این دو حزب و برخورد فرقه ای که به یکدیگر میکنند و فضای نفرت و نجس سازی که از هر دو طرف دنبال میشود، بنظر من ممکن تردید من در پلنوم ۱۷ است. برای من بتدریج روش شد که این رهبری از کمونیسم کارگری بسیار دور است. تا مدت‌ها فکر میکردم اگر تلاش کنم نشان دهم که روش برخورد منصور حکمت متفاوت بود، سیاست های مصوب حزب چیز دیگری میگوید یا تزها و تئوری ما چیز دیگری است، مساله روش میشود. فکر میکردم از بی اطلاعی است، مساله معرفتی است. اما این واقعیت جان سخت را بالاخره پذیرفتم که مساله معرفتی نیست، گرایشی است. آنقدر در مقابل این تلاش ها بمن

حال منصور حکمت گفته بود که چنین ادعاهای موضوعیت دارد. حزبی که برنامه یک دنیای بهتر را مبنای کار خود قرار دهد، زیاد چپ و راست نمیتواند بزند. همینطور او تاکید داشت که رهبری حزب باید تبیین های مختلف و سایه روشنها را قبول کند. اینها در حزبی مانند ما امری طبیعی است. من فکر میکنم حزب سیاسی روی برنامه و اسناد و قطعنامه ها و سیاستها میتواند متعدد شود و متعدد بماند. اینکه من و شما چه تبیینی از بحث منصور حکمت در فلان عرصه را داریم امری محاج است و باید به کانالهای جدل فکری و انجمان مارکس و مراکز مطالعاتی ارجاع شود که تعدادی مارکسیست حکمت چنین خصلتی دارد. تغییر دهنده و همیشه نو است. باید منصور حکمت را بیشتر خواند و بیشتر خواندن را به دیگران توصیه کرد. باید کمونیسم منصور حکمت را آموزش داد. باید روی این کمونیسم به جنگ مدعیان مارکسیسم رفت. باید دیدگاههای منصور حکمت را همه جا تکثیر و همگانی کرد.

بعنوان یک حزب سیاسی و یک جنبش کمونیستی کارگری باید روی پروژه اتحاد تلاش کرد. دنداغه منصور حکمت همانطور که خودش اشاره میکند، بدوا خط نبود، اتحاد حزب بود. او میدانست بینند از بالا میبینند. طرح رهبری جمعی برای منصور حکمت یک طرح بهتر از لیدر شیپ نبود، طرحی برای اتحاد حزب و جلوگیری از اشغال آن بعد از خودش بود. او آگاه بود و در همان بحث عنوان کرد که کسی که بتواند وحدت کمیته مرکزی را حول خودش نگاهدارد نمیشناشد. یک قدم عقب نشست تا مصالح دراز مدت حزب را تامین کند. متأسفانه روای بعد از مرگ او و تا امروز طور دیگری پیش رفته است. آنچه که اهمیت ندارد و در منگه سیاستهای غیر اصولی له میشود، اتحاد و وحدت کمونیستها و مارکسیستهایی است که در این حزب مشکل شده اند. در عین

# یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری

را بخوانید و به دوستانتان توصیه کنید!

## ورود به جدل ناخواسته!

پاسخ به اتهامات دو رفیق از حزب حکمتیست!  
آذر ماجدی



ندارد. تا آنجا که به جنبش کمونیسم کارگری بازمیگردد میتوان در مورد مقولات مختلف بحث کرد و آن را مطابق یا متناقض با حکمتیسم خواند، اما ادعای مالکیت بر حکمتیسم صرفاً نشان دهنده دید فرقه گرایانه مدعیان آن و نیختگی سیاسی است. چنین ادعایی از جانب کسانی که حق ادبیت و انتشار آثار منصور حکمت را که از جانب خود او به من سپرده بود به سخنگفت، حق ادبیت و انتشار آثار او را متعلق به جنبش و طبقه کارگر دانستند، و حتی در جلسات سیاسی علی اعلام این حق از جانب من را به درخواست "تفقه" تشییه کردند، ادعای مالکیت بر حکمتیسم بیشتر شبیه یک جوک تلقی خواهد شد.

## اتهام سرفت

این رفقا مدعی شده اند که من به کورش مدرسی اتهام سرفت زده ام. محمد فتاحی میگوید که به کورش مدرسی اتهام سرفت از خانه ام را زده ام. اینطور که بیش میروم، سال دیگر گفته خواهد شد که من به ایشان اتهام سرفت مسلحانه زده ام و ده سال دیگر با کرام الکاتبین است که این داستان به کجا کشیده خواهد شد. از این لحاظ ضروری است که این اتهام روشن شود.

من هیچگاه به رفیق کورش مدرسی اتهام سرفت نزدم. نوشته قبلی من در آرشیو ها موجود است. من گفتم که ایشان بدون اجازه از هارد دیسک کامپیوتر منصور حکمت برای خود کپی گرفته اند. و این عین حقیقت است. ایشان نه از منصور حکمت و نه از من برای این کار اجازه نگرفتند. از آنجا که این دوستان منصور حکمت را متعلق به جنبش و طبقه کارگر میدانند، کلیه متعلقات ایشان را هم متعلق به جنبش میدانند و با این ذهنیت کپی کردن از هارد دیسک کامپیوتر منصور حکمت را مجاز و عین اصول کمونیستی و انسانی دانسته اند.

باید یادآور شوم  
که در این هارد

هم که شده باید به این تحریفات پاسخ داد. بنظر میرسد که تلاش ما برای جبران گذشته، برای زدودن فضای نفرت و سنتیز و ایجاد فضای رفیقانه کمونیستی بدرستی درک نشده است. تلاش ما بعنوان "نadamت" و پشمیانی تعییر شده است. و به این ترتیب بنظر میرسد که این دوستان موقعیت را برای محکمه " مجرمان اصلی" انشعاب مناسب دیده اند. در این نوشته ها تحریفات و اتهامات غیر منصفانه ای وارد شده است!

از آنجا که بخش مهمی از تحریفات به من بازمیگردد، علیرغم میلم باید جواب دهم. چرا که متأسفانه سکوت عالمت رضا تلقی میشود. این لیست "طلب های" خود ساخته در تاریخ ثبت میشود. من واقعاً قصد ندارم، میل ندارم و اصلاً از این شرایط بیزارم که بخواهم با این رفقا یا هر کس دیگری وارد این کشمکش شوم. در زمان انشعاب هم برایم بسیار دردناک بود، اکنون هم دردناک است. میخواهم از این دوستان صمیمانه بخواهم این چنین این سوابق را مرور نکنم. چه لذتی از این عاید چه کسی میشود؟ مشاجرات و دعواهای مان خیلی جالب توجه بود که میخواهید دوباره آنها را زنده کنید؟ آیا میتوان این حرکت را تلاشی برای عبور از گذشته و حرکت به آینده در خور جنبش کمونیسم کارگری منصور حکمت قلمداد کرد؟ چه اصراری دارید که دوباره یک گذشته دردناک را زنده کنید و آنها با تحریف؟ فصد سیاسی تان چیست؟ آیا پروژه اتحاد صوفو کارگری هراس در شما ایجاد کرده است و این راه مقابله با آن است؟

## "حکمتیسم صاحب دارد!"

این عبارت بیش از هر چیز باعث خنده میشود. هیچ انسان سیاسی جدی این ادعا را جدی نمیگیرد، بویژه در صوفو جنبش کمونیسم کارگری. همانگونه که مارکسیسم صاحب ندارد، حکمتیسم نیز صاحب

چی، یعنی قبول اشتباہ و دست رفاقت دراز کردن بسوی سازمان های باصطلاح "رقیب"، بدرستی میان رفقاء دو حزب درک نشده است. رفقاء رهبری حزب کمونیست کارگری ما را "نadam" " مجرمان اصلی" انشعاب به خانه حلال است به مسجد حرام است! و رفقاء رهبری حزب حکمتیست بنظر میرسد با خود فکر کرده اند که در این شرایط گناهان را به دوش ما بیاندازند و به این شکل با مساله انشعاب "تسویه حساب" کنند.

در کلیه این جلسات ما اعلام کردیم که به همه ما انتقاد وارد است. ضمن ادعای مالکیت بر حکمتیسم، لیستی پر تحریف از "طلب" های شان را ردیف کرده اند. قبل از تشکیل فرانکسیون، زمانی که مجادلات با رهبری حزب کمونیست کارگری بالا گرفت، گفتم که وارد جدال تهمت و افترا به یکیگر و نزول لحن ها نخواهیم شد، و علیرغم فشارهای بسیار زشت و تهمت های رنگارنگی که به طرف من پرتاب شد، (جلد اولین کلکسیونی از آن را به نمایش گذاشته است) قدم در این جدال نگذاشتم. این سیاست میگذشت پاسخ گوید. مساله رهبری پس از منصور حکمت، همانگونه که خود او تشخیص داده بود، بزرگترین ضربه را به حزب وارد آورد. حزب را شکننده کرد. و گفتم: "هر که بامش بیشتر برفش بیشتر!"

اما اکنون دو سال و نیم پس از انشعاب از جانب برخی رفقاء حزب حکمتیست نیز که ضمن متهم کردن و مقصراً جلوه دادن ما، ما را به عضویت در حزب شان دعوت میکرند پاسخ ندادیم. گفتم باید این فضا را تغییر داد. این جو را شکست. نفرت را زدود. تمدن را بازگرداند. موقفيت اتحاد صوفو کمونیسم کارگری در گرو چنین سیاستی است.

اما زمانی میرسد که اگر انسان پاسخ ندهد حقیقت مخدوش می شود. در چنین شرایطی باید کوشید حقیقت را تا آنجا و بصورتی بیان کرد که به سطح اتهام زننده نزول نکرد. نوشته دوستان بهرام مدرسی و محمد فتاحی تحریف ها و بعض اتهاماتی را در بردارد که نمیتوان از آنها گذشت. برای ثبت در تاریخ این عمل غیرمعمول ما در جنبش

محسوب میشود. و حزب کمونیست کارگری نه با افراد که با حزب باید تسویه حساب کند. این جلسات پروتکل اش موجود است. لذا ما با بدھی فردی رفاقت استغفار داده موافق نبودیم. با حزب حکمتیست که انشعاب کرده بود موافق بودیم.

۲- در این مذکوره قرارهای بسیاری گذاشته شد که رفقا هیچگونه اعتنایی به آن نکردند. بما پاسخ ندادند. در جلسه بعدی شرکت نکردند. نامه از جانب کمیسیون را که رفق اصغر کریمی نوشتند بود با لحنی بسیار تند و توهین آمیز جواب دادند. به این ترتیب کار کمیسیون مذکورات عمل ناتمام معلق شد و تقصیر این مساله به گردن رفقا است.

۳- تا مدتی حزب افساط بانکی مربوط به این قروض را پرداخت میکرد. معلم ماندن تمام این مذکورات عملاً کار را به بن بست کشانده بود. ما با دو بدھی بانکی روپرور بودیم که برای پرداخت حقوق یکی از رفاقت رهبری حزب حکمتیست از بانک دریافت شده بود. مساله اینجا بود که جز این رفق هیچ رفق بیگری بدمت نزدیک به دو سال حقوق دریافت نکرده بود. زمانی که حزب در چنین وضعیت مالی ای قرار داشت که قادر به پرداخت حقوق به کادرهای اش نبود، پرداخت قسط حقوق فقط یک نفر که در زمان مسئولیت خود او تصویب شده بود، بعد از انشعاب، بنظر من منصفانه نمیرسانید. بویژه که این رفق در پلنوم ۱۹ پس از کنگره ۴ گله کرد که حزب حقوق اش را پرداخت نکرده است و اعلام کرد که خودش وام گرفته است. عملاً در استناد رسمی پلنوم مساله وام ها به این شکل ثبت شده است. یک بام و دو هوا که نمیشود.

۴- با این وجود با رفیقی که این وام را گرفته بود صحبت شد و قرار شد که این وام را به دو بخش تقسیم کنیم، یک بخش را حزب کمونیست کارگری نقبل کند، یک بخش را حزب حکمتیست. این رفیق مخالفت صفحه ۲۰

چه اصراری است که بحث های شفاھی او را، کسی که اینقدر در مورد نوشته های خود دقت و سوساس داشت، به این شکل کتنی میکنید؟ بسیاری از نوشته هایی که چاپ کرده اید دچار اشکالات جدی است. من تاکنون چند تای آنها را دوباره ادیت کرده ام. به انصاف خودتان میگذارم. مقایسه کنید. آنها را برای سایت خسرو داور هم فرستاده ام و از او خواسته ام که آنها را نیز معنکس کند. ایشان حتی پاسخ هم نمیدهنند. این حرکات اگر فرقه ای و خام نیست، چیست؟ با بی اعتنایی به متونی که من ادیت کرده ام، شما به من بی اعتنایی نمیکنید. به خواست منصور حکمت ای اعتنایی میکنید. لابد دلیلی داشته است که از من خواسته متونش را ادیت کنم. در یک فضای سالم و رفیقانه میتوان بحث کرد و به نتیجه رسید. اما در یک فضای رقابت، سکتاریسم و فرقه گرایی، باید اعتراف کنم که شکست خورده ام. فقط وقتی متون بعضاً غیرقابل قرائت را به اسم منصور حکمت میخوانم، قلبم به درد میاید. چه کنم که عده ای تصمیم گرفته اند او را به حراج بگذارند و تلاش های من برای انجام خواست او را "متحجرانه" مینامند.

#### مسائل مالی

این رفقا مدعی شده اند که پولشان پس داده نشده است. من یکی از اعضای کمیسیون سه نفره ای بودم که با این رفقا مذکوره کردیم. این روایت کاملاً نادرست، تحریف و اتهام است.

۱- میرسنند: آیا اگر کسی از حزب استغفاء داد باید حزب پولش را پس ندهد؟ خیر. حزب باید پول این فرد را پس دهد و تا آنجا که من در جریان بوده ام این کار را کرده است. اما در این مذکوره که رفقا آذر مدرسي، اسد گلچینی و امان کفا در آن از جانب حزب حکمتیست شرکت داشتند، گفته شد که تمام بدھی های افراد عضو حزب شان بعنوان بدھی حزب حکمتیست

## پاسخ به اتهامات دو رفیق از حزب حکمتیست!...

دیسک فقط آثار سیاسی منصور حکمت آرشیو نشده بود، کلیه مکاتبات شخصی و خصوصی، مالی و کاری، همه چیز در این هارد دیسک بود و رفیق کورش مدرسی خود را در نگاه داشتن پک نسخه از تمام اینها مجاز داشت. فکر میکنید این نامه ها و حتی داستان نا تمام منصور حکمت که به اسم آرشیو مکاتبات شخصی کورش مدرسی و منصور حکمت چاپ نمیشود، از کجا آمده است؟ از هارديسک کپی شده منصور حکمت. از یک سو جار و جنجال راه میاندازند که من آنها را به نزدی متمهم کرده ام، از طرف دیگر میکوشند شخصیت من را با اتهام زننده چشم داشت به نفع خدش دار کنند، (در اینجا باید به این رفقا بگوییم که خدش دار کردن شخصیت من به این ترتیب، فقط دامن من را نمیگیرد، دامن فرزندان ما و منصور حکمت را هم میگیرد. ولی چه باکی! هدف وسیله را توجیه میکند!) و از طرف دیگر یک رابطه غیرواقعی با منصور حکمت برای خود میراشند. باید از کورش مدرسی پرسید چه کسی به شما اجازه داد که تمام زندگی نادر را که کتبی شده بود، خصوصی یا سیاسی برای خود کپی کنید؟ طبقه کارگر؟

#### به دادگاه کشاندن رفقا!

این هم یک دروغ شاخدار دیگر است. من در آن زمان طی یک ایمیل شخصی برای رفقا کورش مدرسی، فاتح شیخ و ایرج فرزاد گفتم که منصور حکمت ادیت اشارش را من سپرده است. به خواست او احترام بگذارید و گرنه برای من راهی بجز شکایت باقی نمیماند. اما این شکایت هیچگاه انجام نشد. نمیخواستم نام منصور حکمت و کمونیسم کارگری به دادگاه کشیده شود. نمیخواستم مسائل از آنچه بود زشت تر شود. این رفقا اما مدعی شده اند که ما در حال دادگاه رفتن هستیم.

#### نکته ای در مورد آثار منصور حکمت

این جدال مغلوبه شد. من شکایت نکردم با وجود اینکه کاملاً در هر دادگاهی حق با من بود. متسافانه مساله آثار منصور حکمت از جانب هر دو حزب به یک رقابت و مسابقه بدل شده است. هم اکنون سه جلد ۱ و ۶ و ۷ مجموعه آثار توسط بینیاد منصور حکمت منتشر شده است. کسی این کتب را توزیع نمیکند. جلد ۲ آمده چاپ است. بعلت مالی مسکوت مانده است. سه جلد

من واقعاً علاقه ای نداشتم که بار دیگر این گذشتۀ تلح را زنده کنم. تمام این وقایع برای من شخصاً بسیار دردناک بوده است. خیلی وقتها فکر میکرم که اگر منصور حکمت زنده بود و این رفتارهای نازل را میدید تا چه حد آزرده میشند! بعد یادم میافتد که به من هشدار داده بود. میدانست که از این رفتارهای نازل بوقوع خواهد پیوست و اتفاقاً با خاطر رابطه من با او بیش از هر کس دامن من را خواهد گرفت. او میدانست. یکبار دیگر از این رفقا میخواهم که این مسائل را دوباره هم نزنند. وقتی به من اتهام بزنید من راهی جز پاسخ ندارم. باید از خودم و اعتبار سیاسی و شخصی ام دفاع کنم. دو سال پیش در یک شرایط معین

این دو برخورد از نظر من دو روی یک سکه است. برخورد رهبری حاکم در هر دو حزب مشابه است. ساختار هر دو حزب بسیار بهم نزدیک است. نقد موضع رهبری و رسمی در هر دو حزب کار بسیار دشواری است و با برخوردهای ناپسند مواجه میشود. فراکسیون عملاد در این دو حزب موکول به محل است. رهبران هر دو حزب مدعی بسط منصور حکمت و داشتن درازوفده به حکمتیسم اند. ما با این سیاست ها و ادعاهای مخالف ایم.

ما خواهان تشکیل یک حزب سیاسی تمام عیار مارکسیست و بری از فرقه گرایی هستیم که رادیکالیسم مارکسیستی - حکمتیستی را توده ای میکند. ما برای اتحاد صفوی جنبش کمونیست کارگری مبارزه میکنیم و امیدواریم که بتوانیم با هر دو حزب موجود در این جنبش از نزدیک همکاری داشته باشیم. امیدواریم این جمله های سبک و نازل به کناری گذاشته شود و با هم برای پیروزی کمونیست کارگری و استقرار جمهوری سوسیالیستی مبارزه کنیم.

زنده باد کمونیسم کارگری!

زنده باد منصور حکمت!

با آن مخالفت کرد، قرار تقبیحی در مورد نقد ایرج فرزاد توسط پلنوم ۷ حزب حکمتیست تصویب شد که به استعفای رفیق ایرج فرزاد و چند تن دیگر انجامید، نقدی های فراکسیون، پلاکفرم و بیانیه فراکسیون در نقد موضع رسمی حزب حکمتیست و رهبری حاکم آن نیز هست. این رفقا به این معنا حرکات و تلاش های ما را در جهت تضعیف خود ارزیابی میکنند.

رهبری حزب کمونیست کارگری ما را "نادم" خطاب میکند. از ما میخواهد که فراکسیون اتحاد کمونیست کارگری و انتشار بیانیه پیش بسوی اتحاد تعطیل کنیم، یک معدربت بزرگ از رهبری حزب بخواهیم و با طلب مغفرت در حزب بمانیم.

شما میگویید. ۱- حکمتیسم صاحب دارد. ۲- تمام پروسه انشعاب را به گردن بگیرید! قول کنید که تقصیر به گردن شما است و شیطان رجیم اید. ۳- از ملاقات با رفاقتی که به خط رسمی نقد دارند، دست بردارید، ۴- طلب مغفرت کنید و به حزب حکمتیست بپیوندید.

رفقا!

## پاسخ به اتهامات دو رفیق از حزب حکمتیست!...

کرد، به وکیل رجوع کرد و تمام اسرار حزبی که به این وام مربوط میشد را افشاء کرد.

۵- مبالغی از پول حزب نزد برخی از رفاقتی متشعب بود. این پول ها حتی رسمای اعلام نشد. اما مبالغ برخی از آنها برای ما کاملاً روشن بود و در نامه ای که رسمای تلفنی که من با یکی از رفاقتی کمیسیون حزب حکمتیست داشتم این مطلب عنوان شد.

این واقعیت اقلام مالی است. من باید این حقایق را مینوشتم. چون بعنوان یکی از اعضای کمیسیون مذکور در تصمیم گیری سهیم بودم. ما عمل غیراصولی ای انجام ندادیم.

رفقا!

این جمله ها را کنید. این مساله تا همینجا ضرر بسیاری به کمونیست کارگری زده است. آیا تلاش ها و بیانیه فراکسیون اتحاد کمونیست کارگری با اهداف و سیاست های رهبری شما در تناقض است؟ اگر نه، پس چرا بهرام مدرسی اشاره میکند که

## ادافه مرکز پیگرد سران رژیم؛

- ۱- جمع آوری مدارک و اطلاعات لازم از شاکیان و قربانیان رژیم
- ۲- تدوین لیست سران و مسئولین رژیم که باید تحت پیگرد قرار گیرند،
- ۳- تنظیم کیفر خواست شاکیان علیه سران رژیم،
- ۴- ارائه مدارک حقوقی به دادگاهها و برپائی یک تریبونال بین المللی از سایت مرکز پیگرد دیدن کنید:

[www.wantedbypeople.com](http://www.wantedbypeople.com)

به این سایت مراجعه کنید



کمپینی برای جمع آوری ده هزار  
دادنامه!

سران و کاربستان  
جمهوری اسلامی باید به  
جرائم جنایت علیه بشریت  
در دادگاههای منتخب و  
عادلانه مردم محکمه  
شوند!

پروندهای قریب سه دهه  
جنایت و کشتار مردم  
بیگناه باید ورق بخورد!

جمهوری سوسیالیستی  
مجازات اعدام را لغو  
میکند! ما انتقامجو  
نیستیم، فسفة ارتقای  
”چشم در مقابل چشم“  
نداشیم، اما حقایق باید  
روشن شود!

## بیانیه فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری؛

# بسوی اتحاد صفووف جنبش کمونیسم کارگری!

هم با مسائل مختلف اجتماعی مواجه می‌شوند. انسجام و قدرت سازماندهی کلی جنبش ما ضعیف است. پراکنده‌گی و دو باره کاری توان عملی و سازمانگرایانه جنبش ما را پایین آورده است. علیرغم نزدیکی و هم سرنوشتی عمومی احزاب کمونیستی کارگری موجود چه در جامعه ایران و چه در عراق، علیرغم تعلق مشترک به برنامه و افق "یک دنیای بهتر"، اساساً این احزاب در رقابت و کشمکش با یکدیگر قرار دارند که بسیار فراتر از حد فاصل سیاسی میان این جریانات است. در حالیکه نیروهای جنبش ما نیازمند گسترده ترین نزدیکی ها هستند، بخش سازمانی و تحزب یافته جنبش ما به این نیاز حیاتی بی تقافت است.

مساله گری دیگر مساله توان سازماندهی و هدایت و تاثیر گذاری کل جنبش ما در تحولات روزمره جامعه است. در حالیکه جامعه علیرغم قدره بندی رژیم اوپاش اسلامی هر روزه شاهد اعتراض و مبارزه ای جدی ای در سطح سراسری و محلی است ما هنوز در مقام و موقعیت سازمانده و رهبر جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم و سایر اعتراضات اجتماعی قرار نگرفته ایم. کمونیسم کارگری نماینده بر حق کارگر و آزادیخواهی و برابری طلبی است اما علیرغم پیشروی هایمان هنوز سازمانده اصلی و رهبر این اعتراضات نشده ایم. در حالیکه کمونیسم کارگری پرچمدار آزادیخواهی، مساوات طلبی، آزاد اندیشه، عدالت اقتصادی و اجتماعی، خرافه ستیزی و ضدیت با اسلام، و آزادی و خلاصی زن در جامعه است، در شرایطی که جنبش ما بیان آرزوهای دیرینه و تاریخی مردم است، ما هنوز توانسته ایم به رهبر جامعه و نیروی صفحه ۲۲

بخاریم، آینده تکرار همان گذشته نکبت بار سلطنتی و اسلامی در قالب و ترکیب جدید خواهد بود. شکست و پیروزی هر دو ممکن اند.

اکنون یک فرصت کم نظری تاریخی فراهم شده است که طبقه کارگر و کمونیسم در ایران به یک قرن سلطه احزاب رنگارانگ طبقات حاکم به زندگی مردم و مقررات جامعه پایان بدده. این فرصت فراهم شده است تا کارگر و کمونیسم نمونه شکوهمندی از یک جامعه آزاد و برابر و مرغه و انسانی را در ایران بنا کند و در جلوی چشم تمام جهان قرار بدده. این فرصت را علیرغم مشکلات نباید از دست داد. برای ایفای این نقش تاریخی، برای سازماندهی و رهبری یک انقلاب کارگری علیه جمهوری اسلامی و سرمایه، برای تصرف قدرت سیاسی و استقرار فوری و تمام عیار یک نظام سوسیالیستی در پس تمامی پروسه محتمل سیاسی، باید موانع عدیده را از میان برداشت.

یکی از موانع حیاتی جنبش ما تفرقه و پراکنده‌گی و رقابت سازمانی کنونی آن است. جنبش کمونیستی کارگری نیازمند سازمان واحد و یکپارچه و منسجم است. اما این جنبش امروز به لحاظ سازمانی پراکنده و نا منسجم است. انشقاق در صفووف حزب کمونیست کارگری تاثیرات محرابی بر موقعیت و توان سیاسی و سازمانی کل جنبش کمونیسم کارگری بجا گذاشته است. اما صورت مساله و معضلات مقابل جنبش ما بسیار فراتر از انسجام و یکپارچگی حزبی بخش علی کمونیسم کارگری است. کل جنبش

میگیرد. کشمکش طبقات و جنبش‌های اجتماعی بر سر اینکه چه نظامی باید بر جای رژیم اسلامی بنشیند از متهاست که در بطن مبارزه علیه این حکومت آغاز شده است و در پی سرنگونی رژیم اسلامی تا ثبت حکومت بعدی ادامه خواهد یافت. در این جدال هم اپوزیسیون بورژوازی و هم جنبش کمونیسم کارگری شانس عینی پیروزی دارند.

اما کمونیسم کارگری تنها قطب سیاسی مبشر یک جامعه آزاد، برابر و مرغه در ایران است. امروز کمونیسم کارگری بعنوان یک جنبش اجتماعی، فکری، سیاسی و حزبی در طول دو دهه اخیر، برای نخستین بار توانسته است امکان واقعی حضور مستقل طبقه کارگر را بعنوان یک نیروی سوسیالیست در برابر کل احزاب و جنبش‌های بورژوازی فراهم کرده و سوسیالیسم را بعنوان یک آتناپیو واقعی در برابر جامعه قرار دهد.

کمونیسم کارگری یک جنبش عظیم و گسترده است. دامنه این جنبش و نفوذ اجتماعی بالقوه آن بسیار گسترده تر و فراتر از احزاب کمونیستی کارگری موجود است.

جنبش کمونیسم کارگری نه فقط میتواند پرچمدار و سازمانده طبقه کارگر در تحولات جاری و آتی ایران باشد، بلکه در این موقعیت هست که مردم را در یک انقلاب توده ای برای آزادی و برابری و رفاه در ایران رهبری کند و به پیروزی برساند. اگر ما بپروز بشویم، و میتوانیم بشویم، آنگاه جامعه شاهد برپایی جامعه ای آزاد و برابر و مرغه و انسانی خواهد بود. جامعه ای بدون استثمار، بدون فقر، بدون طبقات بالادست و فرودست، بدون استبداد، بدون حاکمیت خرافات مذهبی و سنتها و اخلاقیات ارتجاعی، بدون منسجم تر شود. در حال حاضر نیروهای گسترده و متعدد جنبش ما بعضاً پراکنده و بدون ارتباط با

جامعه ایران در آستانه تحولات تاریخسازی قرار گرفته است. دوران پر تلاطم سیاسی مدتی است که آغاز شده است. دوره بیاختاستن توده های عظیم مردم برای بدست گرفتن سرنوشت خویش، دوره مصافهای تعیین کننده بر سر سهم انسانها از آزادی و رفاه و سعادت. حکومت اسلامی و نظام سیاسی در ایران، اپوزیسیون کارگری شانس عینی پیروزی دارند. سرمایه داری و رژیم سیاسی استبدادی، مرجع و ضد انسانی مورد تعریض توده وسیع مردم است. این حکومت که بزور سرنیزه و کشتار تا اینجا دوام آورده است، اکنون رو در روی نسلی از مردم است که در یک مقیاس دهها میلیونی آزادی و حقوق مدنی خود را مطالبه میکنند. حکومت اسلام و سرنیزه و سیاست سرکوب و ارعب پاسخگوی این نسل معارض نیست، نقطه سازش و تمکنی هم وجود ندارد. مردم حکم به سرنگونی رژیم اسلامی داده اند و مدتی است که دست بکار بزیر کشیدن آن هستند. روند سرنگونی و جایگزینی رژیم اسلامی میتواند مراحل کوکاکون و اشکال مختلفی بخود بگیرد. جمهوری اسلامی راه خلاصی ندارد. رفتی است!

جنبش ما برای سرنگونی رژیم اسلامی و یک پیروزی تمام عیار سوسیالیستی تلاش میکند. ممکن است در این مسیر با ایستگاههای مختلفی مواجه شویم اما مطلوب ترین حالت برای ما سرنگونی رژیم اسلامی از طریق یک انقلاب کارگری است.

تحولات امروز ایران فقط بر سر بود و نبود رژیم اسلامی نیست. آنچه امروز در ایران میگذرد تعیین میکند که فردا دهها میلیون انسان چگونه خواهند زیست. آن آینده دارد امروز ساخته میشود. انتخابی بزرگ دارد صورت

# بسوی اتحاد صفووف جنبش کمونیسم کارگری!

مباحثت منصور حکمت در پلنوم ۱۴ حزب کمونیست کارگری است. ما تمامی نیروهای کمونیسم کارگری را دعوت به تلاش برای فائق آمدن بر این شرایط میکنیم. ما طرحها و برنامه های مشخص خود در زمینه اتحاد صفووف کمونیسم کارگری را بزودی ارائه خواهیم کرد.

ما تلاش جدی ای را در این زمینه آغاز خواهیم کرد و تا زمانیکه امکان ناپذیری این پروژه در عمل بطور غیر قابل انکار مسجل نشود، این هدف را دنبال خواهیم کرد. حتی اگر به هدف نهایی هم نائل نشویم میکوشیم تا به بیشترین دستاوردهای ممکن در جهت انسجام بیشتر کمونیسم کارگری نائل آئیم.

فراخوان ما به کل نیروهای جنبش کمونیسم کارگری اینست که روی این مسئله حیاتی تعمق کنند، در این بحث شرکت کنند، و همراه ما برای اتحاد صفووف جنبش کمونیسم کارگری تلاش کنند!

**زنده باد**

**اتحاد صفووف کمونیسم کارگری !**

**زنده باد منصور حکمت !**

فراسیون اتحاد کمونیسم کارگری

۲۰۰۷ آوریل ۲۲

به سازمان واحد جنبش کمونیسم کارگری راهی پر پیچ و خم است. اما آیا نمیتوان بر پراکنده‌گی نیروهایمان در عرصه های مختلف غلبه کنیم؟ آیا نمیتوان در ۱۶ آذرها، در ۸ مارسها، در اول ماه مه، در روز کودک، در جشن های آدم برفیها، در کمپین های اعتراضی برای افزایش دستمزد، پرداخت حقوق معوقه و بیمه بیکاری مکفی، در کمپین برای آزادی زندانیان سیاسی، در مبارزه برای آزادی و رهایی زن، علیه حجاب، علیه اسلام، برای آزادی و برابری مشترکاً و در صفت واحدی مبارزه کرد؟ واقعیت این است که بسیاری از نیروهای جنبش ما در داخل کشور چنین سیاستی را دنبال میکنند. همگانی کردن این سیاستها میتواند آغاز مناسبی باشد!

باید از دوران انشقاق در صفووف کمونیسم کارگری عبور کرد. باید بر ضعف توان سازمانی جنبش کمونیسم کارگری غلبه کرد. باید فاصله محبوبیت سیاسی و اجتماعی جنبش و فدرت سازمانی آن را پر کرد. پیش روی کمونیسم کارگری تنها میتواند با پرچم کمونیسم منصور حکمت متحقق شود. نقطه عزیمت و تاکید ما

بیشتر در صفووف جنبش کمونیسم کارگری هستیم. مجلدات و قطب بندیهای اغراق شده یک بیماری جنبش ماست. نوسانات و تعابیر گوناگون سیاسی که در شرایط وجود یک مرجعیت فکری و سیاسی و حزبی و پذیرفته شده میتوانست تابع خط رسمی باشد، اکنون به جدایی ها و تقابل این گرایشات و تعابیر سیاسی آناتاگونیزه منجر شده است. اما علیرغم این شرایط و جدایی ها پایه اجتماعی این جنبش، محافل متعدد کارگری و کمونیستی و فعال در جامعه بیش از هر زمان بر این ضرورت تاکید دارند و ماتریال مادی و یک نیروی فعال تعییر این وضعیت هستند.

جنبش ما باید بر این معضلات با قدرت و به سرعت فائق آید. زمان بی انتهایی در اختیار نداریم. مساله انسجام و یکپارچگی سازمانی جنبش ما و همچنین قدرت سازمانگری و هدایت اعتراضات جامعه و همچنین پر کردن فاصله نفوذ اجتماعی و قدرت سازمانی جنبش ما از مسائل حاد و گرهی پیشاروی ماست. اما چگونه؟

راه پیشروی ساده و هموار نیست. شرایط سخت و دشوار و موانع بسیارند. مناسبات احزاب اصلی این جنبش، حزب کمونیست کارگری و حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، بسیار دور تر از حد مطلوب نیروهایی است که علیرغم اختلاف و تعابیر سیاسی، نیروهایی در یک جنبش اجتماعی هستند. بعلاوه جنبش ما در حال حاضر فاقد یک مرجعیت فکری و سیاسی و یک خط سیاسی پذیرفته شده واحد است. پس از مرگ نابهنه‌گام منصور حکمت ما شاهد تشتت و پراکنده‌گی

کارگران باید اعلام کنند که این دستمزد شندر غاز را قبول نمیکنند و نمیتوانند با آن زندگی کنند. هر کسی که در مریخ زندگی کنند. خانواده کارگری چطور باید زندگی کند؟ آیا وکلای مجلس و بچه حاجی ها حاضرند با این دستمزد یک هفته زندگی کنند؟ وانگهی چرا باید دستمزد کارگران مبنایش تامین یک زندگی مرفه و مقدور نباشد؟ چرا باید همیشه طبقه کارگر و دهها میلیون مردم محکوم به زندگی زیر خط فقر باشند؟ کارگران الکترونیک در کرمانشاه مبلغ ۶۰۰۰۰ تومان را بعنوان حداقل دستمزد اعلام کردند و باندرون آن را جهت اطلاع عموم در خیابانها قرار دادند. سال گذشته بخششای مختلفی از کارگران رقم ۵۰۰۰۰ تومان را خواستند. رقم اخیر مبنای برای حداقل دستمزد است که کارگران خودشان اعلام کردند و تازه با میزان درآمدهای دولتی و غیره هنوز اختلاف نجومی دارد. همین رقم را باید کارگران در اعتراضات مختلف اعلام کنند و مصوبه وزارت کار را برسمیت نشناختند.

اگر کارگران اراده کنند و نیرویشان را مانند معلمان بیاورند، جمهوری اسلامی راهی جز عقب نشینی ندارد. فعالین و رهبران کارگری باید جلو بیافتد و ضرورت واکنش فوری کارگران در صنایع مختلف را به این تصمیم مرتجلین وزارت کار و سرمایه داران و دولتشان تاکید کنند و نیروی کارگران را بمیدان بکشند. موقعیت امروز و اعتراضات گسترده جامعه این امکان و فرجه را به اعتراضات گسترده کارگری میدهد. این تلاشی برحق و مورد حمایت اکثریت جامعه و جنبشها عدالتخواهانه است. پرچم حداقل دستمزد اعلام کردند ۶۰۰۰۰ هزار تومان را برای شاغل و بیکار بازنشسته و مستخدمین دولتی بعنوان مینیم بلند کنید و مصوبه ارجاعی و ضد کارگری وزارت کار را توى صورتشان بکوپید!

تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگارایانه و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصطلاح مدرن امروز، ایده هایی که هریک به نحوی علاج ناپذیری و مقدار بودن وضع موجود را تبلیغ میکند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و رشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد.

کمونیسم کارگری قبل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسان های بیشمار و نسلهای پی در پی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود انسان، ضروری و میسر است.

از

## ”یک دنیای بهتر“

برنامه حزب کمونیست کارگری



۱۳۸۶، سال اتحاد کارگری! سال آزادی و برآبری!

## ”در سیاست حقیقت وجود ندارد؟“ ....

زندگی پدرس صرف آن شده است، در او بوجود آوردم. کدامیک از نظر اصولی درست تر است؟ کدامیک از نظر تربیت بهتر بچه درست تر است؟ این فکر بقیه شب را میخواند.

از مساله و سوال اصلی دور شدم. باید این مقدمات را توضیح میدادم. تا تصویر واقعی تری بدست دهم. به سوال اصلی بازگردیدم.

تمایل خودبخودی او این است که در هر مشاجره ای طرف مرا بگیرد. ”مادرش درست میگوید!“ من تلاش کرده ام که او لزوماً به این نتیجه نرسد. این کار را با خاطر سلامت شخصیت خود او انجام داده ام. نمیخواهم که اعتمادش نسبت به انسان هایی که در این ده سال زندگیش از نزدیک دیده و دوست دارد، خدشه دار شود. بنابراین هر وقت راجع به صحت مساله ای ازم میپرسد، به او میگویم که من اینطور فکر میکنم ولی فلان کس اینطور فکر نمیکند. او فکر میکند که من اشتباه میکنم و حق با اوست. اینقدر این مساله را شنیده است تا بالآخره چند شب پیش که در مورد فراکسیون و عاقبت وضعیت ما ازم سوال میکرد، این سوال را مطرح کرد: ”مامان در سیاست حقیقت وجود ندارد؟ مثل ریاضی نیست که دو + دو میشود چهار و هیچ وقت پنج نمیشود.“

بعد از این که او را بغل کردم و بوسیدم و هوش اش را تحسین کردم، خودم به فکر رقم. آیا کار درستی کرده ام که او را به این نتیجه رسانده ام؟ آیا این ژست بیطறی که گرفته ام بیشتر به نفع شخصیت اوست یا اگر موضع خودم را محکم برایش توضیح میدادم؟ تلاش کردم بی اعتمادی نسبت به انسان های دور و بر در او بوجود نیاید، بی اعتمادی نسبت به ارمانتی که زندگی خودم و

## یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید!

# نامه ها

## گزارش از اصفهان

### علی طاهری

بنا به خبر رسیده پنج شنبه شب ۲۰ اردیبهشت، ماموران نیروی انتظامی فاز تازه‌ای در حمله به زنان در طرح موسوم به مبارزه با بدجایی را آغاز کردند. شاهین شهر اصفهان شاهد یک حرکت سرکوبگرانه دیگر جمهوری اسلامی علیه مردم بیدفاع بود. حدود ساعت هشت شب نیروی انتظامی بر طبق روال این چند هفته در سر راه مردم سیز میشوند و آنها را واردار به رعایت حجاب و یا دستگیر میکنند. یک خانم جوان که همراه همسرش بوده از رفقن با آنها سرباز میزند و به اخطار مامور نیروی انتظامی برای سوار شدن به ماشینی که "بد حبابان" را فرار دادند خودداری میکند و با داد و فریاد قصد جمع کردن مردم را دارد. مامور نیروی انتظامی از ترس اجتماع و اعتراض مردم به روی این خانم اسلحه میکشد و اینبار با تهدید اسلحه او را بزور سوار ماشین میکند. صدای جیغ و داد زنان و کوکان در خیابان با دین صحنه اسلحه کشیدن نیروی انتظامی در خیابان طنین می‌اندازد. بعد از رفقن ماشین نیروی انتظامی چندین ماشین دیگر به صحنه درگیری، که روپرور بازار خرازی شاهین شهر بود، اعزام میکنند. از دیگر صحنه های گزارش شده اینروز تهدید یک دختر ۱۱ ساله است که به مادرش پناه برده بود و مامور نیروی انتظامی نصیحت میکرده "مثل مادرت لباس بپوش!"

### رفیق علی طاهری عزیز

دستستان درد نکند. جنگ حجاب در خیابانهای شهرهای ایران ادامه دارد و علیرغم سیاست سرکوبگرانه رژیم اسلامی مقاومت و اعتراض زنان ابعاد گسترده تری میگیرد. جمهوری اسلامی ۲۷ سال است که نوار علیه "بد حبابی" را بویژه در فصل تابستان میگذارد و هر سال میگویند دریغ از پارسال! رژیمی

## یک دنیای بهتر

### شماره ۱۹

اتخاذ میکند برای ما مهم است. امیدواریم اسناد و مصوبات کنگره ششم متکی بر کمونیسم منصور حکمت باشد.

### مداد قرمز

چند وقت پیش نامه‌ای دادم که گفتم به روش رهبری و سازماندهی و نوع فعالیت تو ایران انتقاد دارم ولی کسی جواب نداد انگار نامه‌بی اهمیت بود ... آهان داستان از این جا شروع میشه ما که تو ایرانیم هی میگیم این راه نمیشه اون راه میشه ولی لینگار نه انگار خلاصه ختم کلام می خواستم بگم بچه هایی که تو ایران هستن لا اقل اونایی که شناخته شده هستن و چند ساله دارن کار می کنن باید تو حزب قدرت تصمیم گیری ، رای و ... داشته باشند و الا چه لزومی داره که ما این حزب رو حزب خودمون بدونیم در حالی که هیچ تاثیری در شکل و ساختار اون نداریم به هر حال از لیدرهای حزب تقاضا می کنم تا جواب این نامه رو حتماً بده تا احیاناً ما هم از حزب زده نشیم و تغییر روش در کار کردن حزب ندیم.

زنده باد حکومت شوراها

### مداد قرمز عزیز

من در جریان مکاتبات و انتقادات شما با رفقاء رهبری حزب نیستم. حتی پاسخ میدهن. به نظر من حزب یک موجودیت واحد است. ایران و خارج ایران تفاوت ماهوی نمیکند. اشکال سازماندهی و ارتباط و مسائل فنی و امنیتی متفاوت است. اعضاء و کادرهای حزب در ایران از طریق مکانیزمهای سیاسی و تشکیلاتی موجود میتوانند و باید در سرنوشت حزب‌شان دخالت کنند. این یک بدبخت سیاسی ماست. با احترام، سیاوش دانشور

مان تلاش کنیم. براین امر کاملاً آگاه بودیم که با دست اندازهای مختلفی مواجه خواهیم شد، اما دفاع از اصولیت و سیاست کمونیستی وظیفه هر کمونیستی است. من هم فکر میکنم وجود فراکسیونهای حزبی نشان قوام یافتن یک حزب سیاسی است. در مورد احزاب خلاف جریان روشن است که حزب متحد بهتر از حزب چند فراکسیونی است، اما فراکسیون برای زمانی است که طیفی از کادرها نظر دیگری دارند و بجای رفقن از حزب باید بتوانند فراکسیون بزنند و برای نزدیکی مجدد تلاش کنند. از توجه و حسن نظر شما نسبت به مباحثت ما شکر میکنم. با احترام، سیاوش دانشور

### سوسیالیسم بپاخیز برای رفع تبعیض

به اطلاع میرسانیم ما سربازان و هواداران فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری در تهران هم‌صدا با رهبر آن فراکسیون کنکره ششم را هم جهت با اهداف کمونیسم کارگری ندانسته و دور بودن از آن را ترجیح می‌دهیم.

با احترام

سازمان سربازان فراکسیون.  
تهران. 1386/2/23

### رفقای عزیز،

نامه دیگری هم از روزبه عزیز دریافت کردیم که از جمله عنوان کردند ضمن احترام به حضور این کنگره و اساس کنگره ترجیح میدهند که از آن دور باشد. باید تصریح کنیم که نرفتن ما به کنگره یک میکنیم سیاسی و در خدمت منافع دراز مدت تر کمونیسم کارگری است. این کنگره حزب کمونیست کارگری در مورد تایید قرار نگرفتید ولی در عمل به عنوان فراکسیون به شما برخورد میشود. در آینده لزوم وجود فراکسیون های درون حزبی را راحتتر پذیرفته خواهد شد و این امر نشانه سلامت و رشد فکری حزب میباشد . با سپاس اردشیر.

که با عقب رفتن روسربی ارکانش میلرزد بیشتر از پوسیده است. مردم این را میدانند و منشا ناتوانی رژیم را میشناسند. مقاومت روز افزون جنبش آزادی زن در ایران و نفی عملی حجاب گویای این حقیقت است.

### رفقا اسد حیدری و صالح فلاحتی

بیانیه اعلام صندوق همبستگی با کارگران زندانی دریافت و در همین شماره منتشر شد. پیروز باشید.

### دoustan کمیته حمایت از کارگران ایران

اعلامیه شورای همکاری تشکلها و فعالین کارگری در مورد واکنش نسبت به دستگیری و زندانی فعالین اول مه دریافت و در همین شماره منتشر شد. پیروز باشید.

### رفقا آذر ماجدی ، علی جوادی و سیاوش دانشور

سخنرانی های شما را از طریق اینترنت گوش دادم و تحت تاثیر قرار گرفتم. شما بالاترین حد سمت ها و مسئولیت های حزبی را داشتید و در صورتیکه انتقادات خود را مطرح نمیکردید همچنان عزیز و محبوب مجالس میمانید. بی توجه به ارزیابی ها و انتقادات شما، خوشحالم که شما و جهان سیاسی خود را قربانی «طعم شیرین قدرت» نکردید. طنز جالب در این است که شما هیچوقت به عنوان فراکسیون موردن تایید قرار نگرفتید ولی در عمل به عنوان فراکسیون به شما برخورد میشود. در آینده لزوم وجود فراکسیون های درون حزبی را راحتتر پذیرفته خواهد شد و این امر نشانه سلامت و رشد فکری حزب میباشد . با سپاس اردشیر.

### رفیق اردشیر عزیز،

برای ما بعنوان کمونیست کارگری حقیقت و حقیقت جوئی برای ما مهم است و ما از پیش در مورد کنگره حزب کمونیست کارگری در سیار مهم است. ما موظفیم روشن و صریح نظریاتمان را بیان کنیم و برای پیشوای حزب کل جنبش

# نامه ها ...

## رفیق ماجدی عزیز

سلام. سخنان شمارا در برنامه‌ی "برای یک دنیای بهتر" شنیدم. عالی بود. وقتی که گوینده ای مطلب خود را از ته قلبش بیان کند و شنونده بفهمد که او با تمام وجودش به آنچه که میگوید ایمان دارد، آن مطلب بی‌گمان در شنونده تاثیر خود را خواهد گذاشت (خصوصا اگر مطلب گفته شده در مورد برابری، آزادی و پیروزی انسانیت بر بربرتی باشد). بهمین دلیل است که سخنرانی‌های شما و دکتر جواد اینقدر روی شنونده اثر میگذارد. دیشب به هنگام پخش برنامه‌ی شما همسر من (که همیشه سعی کرده که کمونیست نباشد!) واقعا تحت تاثیر قرار گرفته بود

نکته‌ی دیگر اینکه من و احتمالا خیلی از ایرانی‌های دیگر نمیتوانیم برنامه‌ی شما را در روز سه شنبه تماشا کنیم، چون اینجا

در طی چند ماه اخیر جلد آنلайн ده ها مقاله در محکومیت فراکسیون کمونیسم کارگری و تقبیح نفس تشکیل فراکسیون منتشر کرده است. پنداری یک کمپین همه جانبی در راستای کوبیدن گروهی مرتد که قصد نابودی کمونیسم کارگری را دارند به راه افتاده است. انگار نه انگار که این خانمها و آقایان فراکسیونی، اعضاء همین حزب و کمونیست هایی اصیل و شناخته شده هستند و حق دارند که بدور از شانتاز یا توهین و افترا به نقد رفاقت خود - منجمله رهبری حزب- بپردازند.

آیا بنظر شما تمام اعضاء و هواداران حکما باید از همه نظر همعقیده باشند؟ بنظر شما فردیت انسان واستقلال رای اوجه جایگاهی در کمونیسم کارگری دارد؟ سالها پیش وقتی برای اولین بار از

## یک دنیای بهتر

### شماره ۱۹

حکما رشد مناسبی در میان سیاسیون جوان و کارگران کرده است و سوشه‌ی ارتقاء حزبی بدرج توجیه پذیر بنظر میرسد. خواهش میکنم کمی دقت فرمایید که اولویت مبارزه و مجادله‌ی تئوریک کدامند و خصوصا در عرصه‌ی داخلی که رادیکالیسم کمونیستی در کشمکش تئوریک با تفکرات لیبرالی، توده‌ای، ناسیونالیستی و... قرار دارد آیا بهتر نیست که به جای مقالات تفرقه افکنانه که در داخل ایران ممکن است تلقی بسیار منفی از حکما ایجاد کند به بررسی و آنالیز تئوری مارکسیستی و نیز تفکرات دیگری مثل لیبرالیسم بپردازیم تا هم به مبارزه‌ای اصولی با جهان بینی‌های وابسته به سرمایه داری بپردازیم و هم اینکه حقانیت کمونیسم کارگری را در مقابل همه ایده‌های ظاهرانه "چپ دیگر برای جوانانی که تشنۀ‌ی آموختن و پیدا کردن راه سعادت انسانها هستند بیش از پیش ثابت کنیم. آیا بنظر شما منصور حکمت "حجه را بر همه تمام کرد؟" و تئوری‌زاسیون کمونیسم کارگری را تمام و کمال به انجام رسانید؟

بیایید به دور و برمان نگاه کنیم: در برنامه‌های تلویزیونی جمهوری اسلامی مرتبا تئوری‌سینها و متفکرین حزب الله در حال تجزیه و تحلیل جهان بینی‌های غربی و اثبات حقانیت اسلام ناب محمدی به امت حزب الله هستند. در حالیکه برای رژیمی که قدرت سیاسی را در قبضه‌ی خود دارد و جواب هر ندای مخالفی را با سرنیزه و نفگ میدهد ظاهرا وجود تئوری‌سین هایی، چون رحیمی ازغدی، غیر ضروری بنظر میرسد. ولی سران جمهوری اسلام نیز بخوبی در یافته اند که حتی چمادارن بیمغزشان هم نیاز به خوارک تئوریک دارند.

در جبهه‌ی سرمایه داری رسانه‌های صفحه ۲۶

طريق راديو انترناسیونال با حکما آشنا شدم بارها از همین راديو و منجمله از زبان منصور حکمت میشنیدم که در حزب ما برخلاف احزاب چپ سنتی مجبور نیستیم که درست مطبع و موافق نظرات رهبران حزب باشیم. اکنون بسیاری از رهبران و کادرها شمشیرها را از رو بسته اند و پشت سرهم مقالات کوبنده ای که متناسبانه مشحون از انواع متنک و سخنان ناشایست است علیه فراکسیون مینویسند.

### رفیق فرشاد عزیز

بنظر من شاید این وضعیت را بشود اینطور تفسیر کرد که برخی از رفاقتی خارج از ایران که گرفتار روزمرگی و همان حرفه‌ای همیشگی تکراری بوده اند حالا با ظهور پدیده ای بنام فراکسیون فرصلت را برای خروج از این رخوت درونی مناسب دیده اند ("من هستم چون علیه فراکسیون مینویسم") اما نگرانی من از این است که راه برای اپورتونیسم باز شود و گروهی از رفاقتی برای مطرح کردن خود و احیاناً "محبوب شدن در نزد رهبری دست به قلم شوند و انواع حملات منصفانه و غیر منصفانه را بدون آنکه اعتقادی به حرفه‌ای خودشان داشته باشند نثار رفاقتی فراکسیون کنند. خودتان میدانید که این نوع اپورتونیسم در احزاب چپ سنتی بسیار رایج بود و بالآخره بلای جان حکومتهای اروپایی شرقی شد. یادمان نمیرود که افرادی چون یلتینسین، گورباچف، حیدرعلی یف و شواردنادزه در جوانی از راه چاپلوسی، پیروی بیقید و شرط از مقامات بالای حزب- و حتی تظاهرشان به کاسه‌ی داغتر از آش- بسرعت پله‌های ترقی را طی کردن و در زمان مناسب حزب و حکومت را از درون متلاشی کرند. اکنون که

شنونده عمل میکند. مرا از بابت طولانی شدن نامه ببخشید. پیروز باشید.

زنده باد آزادی، برابری،

جمهوری سوسیالیستی. در ضمن از بابت نشریه‌های ارسالی بسیار مشکرم.

### دوست گرامی

از تذکر شما ممنون هستم. یادم نمی‌آید در گفتگوهای رادیویی و تلویزیونی از "فحش" استفاده کرده باشم. بسیار مایلم چنچه موردي بوده است با ذکر مورد طرح کنید. همینطور در مورد الفاظی که از نظر شما تند هستند. از توجه و احساس مسئولیتمن منوم. با احترام، سیاوش دانشور

**نامه زیر خطاب به فرشاد حسینی، سرداری جلد آنلاین، نوشته شده و برای آذر ماجدی رونوشت شده است.**

### رفیق فرشاد حسینی

با سلام بر شما و درود بر حکما

در طی چند ماه اخیر جلد آنلайн ده ها مقاله در محکومیت فراکسیون کمونیسم کارگری و تقبیح نفس تشکیل فراکسیون منتشر کرده است. پنداری یک کمپین همه جانبی در راستای کوبیدن گروهی مرتد که قصد نابودی کمونیسم کارگری را دارند به راه افتاده است. انگار نه انگار که این خانمها و آقایان فراکسیونی، اعضاء همین حزب و کمونیست هایی اصیل و شناخته شده هستند و حق دارند که بدور از شانتاز یا توهین و افترا به نقد رفاقت خود - منجمله رهبری حزب- بپردازند. آیا بنظر شما تمام اعضاء و هواداران حکما باید از همه نظر همعقیده باشند؟ بنظر شما فردیت انسان واستقلال رای اوجه جایگاهی در کمونیسم کارگری دارد؟

یک نقطه‌ی ضعف بزرگ برای آنها است چون در شنونده ایجاد

دافعه کرده درست خلاف خواسته

ی گوینده یعنی تاثیر مناسب بر

محوطه دانشگاه کردند و هر لحظه به تعداد آنان افزوده می شد.

در ضمن شعار های " مرگ بر استبداد" مرگ بر دیکتاتور " توب تانک بسیجی دیگر اثر ندارد" شنیده می شد!

هم اکنون دانشجویان در صحن اصلی دانشگاه تجمع کرده و با بلند گوی دستی مشغول سخنرانی هستند و بعضی شعار هایی سر می دهند و هر لحظه بر تعداد آنان افزوده می شود در ضمن تعداد ۳ خودروی متعلق به نیروی انتظامی و با تعدادی مامور نشسته در آن در خیابان ها و کوچه های اطراف دانشکده ادبیات علامه مشاهده شده است.

### دoustan عزیز

خسته نباشد. زنده باد اتحاد و همبستگی دانشجویان.

### رفیق سیاوش دانشور عزیز،

گفتید به کنگره حزب نمیروید. پاسخ حزب به تقاضای مجدد شما منفی بود. چکار میکنید؟ قربانت، اسعد

### اسعد عزیز،

فراسیون تلاش کرد در آستانه کنگره یک تلاش دیگر صورت دهد تا شاید راهی منصفانه برای برونو رفت از این اوضاع پیدا کند. رفقای عزیز ما حتی حاضر نشدند با فراسیون جلسه بگیرند و نظرات و پیشنهادات ما را بشنوند. این نتیجه البته برای ما روشن بود. ما راهی جز ادامه کار و فعالیتمن نداریم. سه دهه فعالیت کمونیستی را نمیتوان زمین گذاشت و رفت خانه نشست. کسی از ما نمیپنیرد. ناچاریم راهمان را ادامه دهیم. \*

### رفیق عباس عزیز

با تشکر بسیار از ارسال نامه واکنش مسئولانه شما به اختلافات درون حزب کمونیست کارگری، به فراسیون اتحاد کمونیسم کارگری و به "جدل آنلاین" باعث خوشحالی و امیدواری است. از این فرصت استفاده میکنیم و شما را به همکاری نزدیک تر با اتحاد کمونیسم کارگری دعوت میکنیم. به امید پیروزی کمونیسم کارگری. آذر ماجدی

### تجمع اعتراض آمیز دانشجویان علامه آغاز شد

امروز (سه شنبه) راس ساعت ۱۲ ظهر دانشجویان دانشکده ادبیات دانشگاه علامه واقع در سعادت آباد در اعتراض به لغو مجوز تشکل دانشجویی انجمن اسلامی این دانشگاه و همچنین منوع الورود کردن تعدادی از فعالیت دانشجویی تجمع اعتراض آمیز خود را آغاز کردند.

از ساعات ابتدای امروز با استقرار چندین تن از نیرو های حراست مرکزی علامه و حضور نیرو هایی با لباس شخصی در اطراف دانشگاه با ایجاد فضای امنیتی کارت های تک تک دانشجویان مورد بازرسی قرار می گرفت. با این وجود در حدود ساعت ۱۲ صد ها تن از دانشجویان با اجتماع در مقابل دفتر انجمن و با خواندن سرود یار دسته ای تجمع را آغاز کردند و بعد از آن با سر دادن شعار ها: "دانشجو اتحاد اتحاد" دانشجو حمایت حمایت" ، " استاد دانشجو حمایت حمایت" ، با شهامت حمایت حمایت" ، دانشجو می میرد ذلت نمی پنیرد" ا adam به راه پیمایی در

و منشعبینش(راه توده) و بسیاری دیگر از سایتها دیگر چپ دائمآ در حال افسای تئوریک چهره های متلون سرمایه داری هستند.

برای جوانی که هنوز راه مبارزه را پیدا نکرده یا برای کسی که هنوز گرفتار توهمند بیشتر بازار آزاد است ما چه خوراک فکری را ارائه میدهیم؟ آیا فقط اعضاء و کادرهای حزب در خارج به جدل آنلاین دسترسی دارند؟ مسلمان" نه. پس تکلیف داخلی هایی که در رویای اتحاد نیروهای کمونیست هستند و اصلا مشکلشان فراسیون نیست چه میشود؟ ما وقتی "جدل" های درونی حزب را میبینیم (آنهم چنین بیرحمانه) واقعاً تاسف میخوریم که حزبی که قرار است کارگران و زحمتکشان را متخد و به سمت انقلاب رهنمون سازد چنین دچار درگیری های خودساخته شده است.

من ضمن پوزش بابت اطاله ی کلام از شما بعنوان یک کمونیست و مدیر جدل آنلاین صمیمانه خواهش میکنم که رفقای خودتان در فراسیون را همزمان و همفرکن خود قلمداد کنید و با برخوردي رو در رو و در جلسه ای رفیقانه که رهبری حزب، نمایندگانی از کادرها و نمایندگان فراسیون در آن حضور داشته باشند، بدون آنکه فصیل برای تحمیل عقاید یک طرف به طرف مقابل وجود داشته باشد همیگر را به رسالت بشناسید. هم رهبری حزب را که منتخب اکثریت قاطع بدنی ی حزب است و هم وجود نظرکری انتقادی را که در قالب فراسیون مشکل شده است.

زنده باد آزادی و برابری اردمند شما عباس ع. از شمال ایران

### نامه ها...

نیرومند فارسی زبان (رادیو فردا، بی بی سی و صدای امریکا) بطور شبانه روزی مشغول تبلیغ نویلیرالیسم و اثبات دائمی حقایق بازار آزاد هستند. آنوقت ما به جان خودمان افتاده ایم و داریم گوشت تن خود را با بیرحمی پاره پاره میکنیم. از نظر من هر انسان کمونیست قابل احترام است چون به برابری و آزادی انسانها اعتقاد دارد چه برسد به رفقای فراسیون که پاره ی تن حزب هستند و اختلافشان با رهبری بسیار بسیار کوچک است. مقایسه کنید تقاویت ما را با ملی- مذهبیها یا اکثریتیها) پس چرا بجای تلاش مشترک برای اثبات دائمی حقایق کمونیسم کارگری و کار بر روی آثار کلاسیک مارکسیستی و آثار منصور حکمت و تجزیه و تحلیل آنها، داریم به فراسیونیها فشار مداوم وارد میکنیم که: یا شما هم مثل ما فکر کنید یا از حزب تشریفات را ببرید بیرون.

البته من نیز قبول دارم که کار سیاست‌گذاری و تئوریک بسیار وقت گیر است و نیاز به مطالعه همه جانبه ی دائمی دارد، همان کاری که منصور حکمت میکرد. ولی نوشتن مقاله بر علیه یا بر له فراسیون بسیار ساده و بی دردسراست و کسی هم آدم را متهم به بیسادی تئوریک نمیکند. بیاید نگاه کنیم که از زمان مرگ منصور حکمت تا کنون چند تا از آثار مارکس یا لنین یا انگلش توسط ما تجزیه و تحلیل شده است؟ آیا هرگز آمده ایم یک مبارزه ی تئوریک و تحلیلی علمی در مقابل لیبرالیسم و تئوری بازار آزاد بکنیم؟ در حالیکه سایتها احزابی چون حزب توده

## یادداشت سردبیر...

تر بین میلیتاریسم نظم نوینی و تروریسم اسلام سیاسی در منطقه است. هدف این جدال نه نابودی اسلام سیاسی بلکه تابع کردن آن به ترتیبات سیاسی و چهارچوبها و توازن جدیدی است که در آن منافع آمریکا در منطقه محفوظ بماند. اگر دولت آمریکا و متحده‌نش میتوانند در افغانستان با بقایای پاستوریزه شده طالبان و خان خانی‌های اسلامی – نظامی در لویه جرگه کنار بیایند، اگر غرب دمکرات میتواند با سیستمی و حکیم و صدر و نیروهای نوع القاعده و شیوخ مرتعج منطقه کنار بیاید و آنرا باسته به منافع و استراتژی دوره ای در مدار نیروهای دوست آمریکا و سربازان دمکراسی جای دهد، چرا نتواند با جمهوری اسلامی و حتی خامنه‌ای کنار بیاید؟

آدمکشی میتواند امورش را پیش ببرد. مدام که نیروهای تروریستی و محصولات عتیق نشینی جناح "اقتدارگرا" جمهوری اسلامی به معنی عقب حکومت و دست بالا پیدا کردن طیف اصلاح طلب و "دگر اندیش" اسلامی است. خطی که بقای خود را نه در سرنگونی رژیم اسلامی توسط کارگران و مردم، نه در حمله نظامی، بلکه در بقای رژیم و کوتاه آمدن در مسائل منطقه ای و داخلی و مذکوره با آمریکا و متحده‌نش مثبت است. تا به طبقه کارگر و مردم ایران مربوط است، اسلام اپوزیسیون را به وجود می‌آورد، طیفی دیگر را چهار دیپرسیون سیاسی میکند. پنtagonیست‌های اپوزیسیون به شمول ناسیونالیست‌های عظمت طلب آریانی و سلطنت طلب، محاذ قوم پرست و سازمان مجاهدین، هرگونه باز شدن دریچه معامله و سازش رژیم و دولت آمریکا را بسته شدن روزنه امید خود میدانند که قرار بود در پس حمله نظامی و تضعیف رژیم بعنوان دولتمردان و چلی‌های ایران در کنار ارتش آمریکا به میدان بیایند. برای مردم انقلابی و طبقه کارگر که دنبال فرستی برای سرنگونی تمام و کمال رژیم اسلامی اند، نفی خطر جنگ و تحريم اقتصادی و کاهش بحران و جدال تروریستها در خود نقطه ای مساعد است و زبان مردم را برای اعتراض به فقر و فلاکت و گرانی و اختلاف بازتر میکند. کارگران در اول مه حرف مردم ایران را زده اند؛ ما انزوازی هسته ای نمیخواهیم! حقوق هسته ای ۱۸۳۰۰ تومن هم نمیخواهیم! از نظر کارگران سوسیالیست بودجه سرسام اوری که صرف تاسیسات هسته ای و نظامی و مسائل جانی آن میشود، میتواند در خدمت رفاه و امنیت و بهداشت و درمان و آموزش مردم قرار گیرد. طبقه کارگر نه علقوه‌های ناسیونالیستی و نستالیز ایران هسته ای را دارد و نه خواهان جنگ و ویرانی و فقر همگانی است. طبقه کارگر

### مذاکرات و اپوزیسیون

قبل از کنفرانس شرم الشیخ ژورنالیستها و برخی از فعالین سیاسی تصویری همراه با هیجان و شگفتی از دیدار نمایندگان دولتها جمهوری اسلامی و آمریکا میدانند. میگفتند نفس این دیدار هیجان انگیز است! انگار هواداران پرشور تیمهای فینالیست فوتبال جام جهانی منتظر روز موعوداند! اما این یک خط سیاسی معرفه و شکست خورده است. این خطی است که در شیبور "مصالح ملی و منافع ایران" میدهد و به زبان آدمیزد تصورش اینست که مذاکره دولتها ای آمریکا و جمهوری اسلامی قدر نیست زبان آدمیزد تصورش اینست که اسلامی، امر سرنگونی را حاشیه ای میکند و شرایط را برای باز شدن مجدد سفره حکومتی و درگیر شدن اپوزیسیون مغضوب طرفدار رژیم باز میکند. برای این خط که طیفی از جمهوریخواهان و

در مقابل این افتخارات ضد انسانی ارجاع اسلامی و ناسیونالیستی، افق یک جامعه انسانی و آزاد و مرفره را قرار میدهد. مسئله اساسی همانطور که بارها تاکید کردیم اینست که منافع مردم ایران در جنگ و سازش تروریستها و کمپ ارجاع جهانی نمایندگی و متحقق نمیشود. آینده انسانی و آزاد در دست خود مردم و جنبشی است که خواهان الغای تمام ارکانهای بردنگی و انقیاد سیاسی و اقتصادی و طبقاتی است. گسترش مبارزات کارگری و جنبشهای اجتماعی آزادیخواه مسیری است که هم خطرات موجود را تماماً منتفی میکند و هم مسیر تحقق یک دنیای بهتر، یک دنیای انسانی و خوشبخت را هموار میکند. فرست را دریابیم، مشکل شویم، نیرویمان را بعیدان بیاوریم و صحنه سیاست را عرض کنیم. در مقابل نیروی عظیم کارگران و مردم انقلابی ماشین مخوف میلیتاریسم و تروریسم اسلامی تنها میتواند زانو بزند.

### دانشگاه، قانون و "انتخابات"

دانشجویان دانشگاه‌های ایران هر روز اجتماع و اعتراض میکنند. تحفه اینجاست که عناصر سابق دو خداد و متحدهن جبهه جدید "اصولگرایان اصلاح طلب" کاسه داغ تر از آش شدند. هر روز سر و کله یکی‌شان در دانشگاهی پیدا میشود و بر "مسلمان بودن اکثر دانشجویان"، "قانون‌گرانی"، جلوگیری از "عملیات عناصر غیر دانشجو" و آماده شدن برای شرکت در مضمونه انتخابات رژیم سخن میگویند. تحکیم وحدتی ها و ملی مذهبی هائی که به نادرست در ایران لقب لیبرال گرفتند برایشان کاسه چرخانی میکنند و دسته جمعی در ارکستری واحد و گوش خراش علیه کمونیسم تبلیغ میکنند.

این تبلیغات رنگ و رو رفته و شکست خورده تاثیری ندارد و ارزش پاسخ گوئی هم ندارد. دانشگاه و جامعه با حضور و عمل امروز خود نقد اجتماعی این سیاست را بفرجام رسانده است. اما اینها یا متوجه یک صفحه ۲۸

## ستون آخر

آذر ماجدی



"در سیاست حقیقت وجود ندارد؟"

سرشان خراب شود.

جامعه کمونیستی یک آرزو و یک مدینه فاضله خیالی نیست. تمام شرایط پیدا شن چنین نظامی، در دل همین جهان موجود سرمایه داری فی الحال فراهم شده اند. توان علمی، تکنولوژیکی و تولیدی انسان امروز چنان ابعاد عظیمی پیدا کرده است که پی ریختن جامعه ای معطوف به رفع نیازها و تامین آسایش همگان کاملاً مقدور است. انقلابات الکترونیک و انفورماتیک دهه های اخیر و تحولات شگرف در ابزارها و روش های ارتباطی و اطلاعاتی سمعی و بصری، سازمان دادن یک جامعه جهانی و شرکت همگانی در طراحی و برنامه ریزی و اجرای امور گوناگون جامعه را پیش از پیش میسر ساخته است. بخش عظیمی از این توان تولیدی هم اکنون یا به اشكال مختلف به هر داده میشود و یا عامدانه مصروف مانع از بکار بستن این امکانات در خدمت رفع نیازهای بشر میشود. اما علیرغم همه عظمت امکانات مادی جامعه، پشتونه اساسی جامعه کمونیستی را نیروی خلاقه و زنده میلیاردها انسانی تشکیل میکند که از اسارت طبقاتی، از برداگی مزدی، از اسارت معنوی و از خود بیگانگی و از حقارتی که نظام موجود به آنها تحمیل میکند رها میشوند. انسان آزاد، صامن تحقق جامعه کمونیستی است.

**از یک دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری**

**یادداشت سردبیر...** تحول مهم نسلی نیستند و یا هستند و ناچارند صرفاً علیه آن آیه وحشت بخوانند؛ این حقیقت که ایران یک جامعه اسلامی نیست. این حقیقت که نسل جوان این رژیم را قبول نکرده و نمیکند. این حقیقت که دانشجویان ۱۶ آذر امسال و اجتماعات و اعتراضات بعدی در دوره دو خداد نوجوان بودند و ماجراهی دو خداد پیشیزی برایشان ارزش ندارد. این حقیقت که علیرغم تلاشهای امثال حجاریان و شرکا، برای جا انداختن پوپر و هابر ماس و هایدگر و دیگران و تبدیل ارتجاج به نقطه روشنفکری در دانشگاهها، این چپ و سوسیالیسم کارگری است که هر روز میدان عمل گسترشده تری پیدا میکند. برای این نسل نه فقط در دانشگاه، بلکه در کوچه و خیابان و استادیوم، قانون ارزشی ندارد و هر روز لگد مال میشود. این نسل بروشنا میبیند که قانون چیزی جز اراده و منفعت طبقه حاکم نیست و تجسم آن جمهوری اسلامی است. دولتی که سپاه و نیروی انتظامی و انواع گروه چاقو کش را علیه "بد حجایی" بسیج کرده است و بجائی نمیرسد، نباید انتظار داشته باشد در دانشگاه دانشجویان برایش دعای کمیل بخوانند! آن دوران گذشت. سالهای تاریک بعد از سرکوب خونین انقلاب ایران تمام شد. نه "انقلاب فرهنگی" دیگری ممکن است و نه میتوان با اخراج و دستگیری و ستاره دار کردن دانشجویان و اتهام "براندازی نرم و سخت" جلوی این موج جدید را گرفت. سوسیالیسم در دانشگاه ریشه در انتقاد اجتماعی و طبقاتی کارگر به نظام موجود دارد. سوسیالیسم در دانشگاه گوشه ای از اعتراض چپ و زبان چپ و عدالتخواهانه علیه تبعیض است. دانشگاه در کشورهای اختناق زده محل رشد کمونیسم است. این حقیقت را در اوج برویای تحکیم وحدت و دو خداد منصور حکمت عنوان کرد و امروز یک داده اجتماعی است. پاسخ این سوسیالیسم به قانون و مضمون انتخابات و آپارتايد از پیش داده شده است. سوال امروز این سوسیالیسم چگونگی پشتیبانی از جنبش کمونیستی طبقه کارگر و تلاش برای تغییرات بزرگ و زیر و رو کننده است.\*

بعلاوه بسیاری از پرسنل های درگیر در این مشاجرات را بچه های من از نزدیک دیده اند و دوست دارند. تلاش زیادی کرده ام که عاطفه آنها با خاطر مشاجرات سیاسی - حزبی خشنه دار نشود و بی اعتمادی در گوش ذهن شان لایه نکند. ممکن است خود محوری فردی باعث شود که بخواهیم بچه های مان طرف ما را در هر اختلاف و مشاجره ای بگیرند، همانگونه که در دعواه میان پدر و مادر، عموماً هر طرف خود جلب کند. لیکن دوراندیشی و گذاشتمن سلامت روحی بچه و رای احساس خود محوری، ایجاب میکند که بچه ها را به این شکل به مجادلات و اختلافات نکشانیم. تناقضاتی که چنین شرایطی برای کودک بوجود میاورد، ضربات عمیقی به شخصیت و احساس اعتماد او وارد میاورد.

از این رو در مجادلات درون حزبی این ۵ سال اخیر من به میزان زیادی تلاش کرده ام که بچه ها را دور نگه دارم. بطور مثال دو پسرم تا بعد از انشعاب متوجه هیچ اختلافی نشده بودند. بعد از انشعاب بود که دیگر پنهان کردن آن بسیار دشوار بود و من از طرف انها سوال پیچ شدم. البته بچه ها بسیار تیز هوش تر از آنی هستند که ما بزرگسالان تصور میکنیم. آنها به راحتی تغییرات در روابط را متوجه میشوند. از رفتارهای حتی بخیال بزرگسالان حساب شده نیز مسائل را بمویشند. پسر کوچکم بخصوص در این موارد بسیار کنجدکار است و اینقدر آدم را سوال پیچ میکند که نمیتوان از زیر پاسخ در رفت. نمیتوان سرش را کلاه گذاشت و سرسری جواب

صفحه ۲۳

اول باید توضیح بدhem که من در خانه با بچه ها چندان درباره سیاست حرف نمیزنم. بخصوص در مورد سیاست حزبی و مباحث و مشاجراتی که پیش میاید. ما هر دو بر این عقیده بوده ایم که بچه ها را نباید از کودکی وارد زندگی سیاسی - حزبی کرد. باید این فضا را برای بچه ها قائل شد تا خود تصمیم بگیرند. با نظرات و عقاید مختلف مواجه و آشنا شوند، بدون اینکه از همان کودکی یک نظر معین بعنوان حرف مطلق بر

**سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**